خدابخش لائبریری

جرنل

FOR FAVOUR OF EXCHANGE

۹

خدابخش اورینٹل پبلک لائبریری پٹنہ

خدا بخش لائبریری

جرنل

FOR FAVOUR OF EXCHANGE

۹

خدا بخش اورینٹل پبلک لائبریری، پٹنہ

رجسٹریشن ۷۸/ ۳۳۳۲۳

مجلس ادارت

- قاضی عبد الودود (چیرمین)
- سید حسن عسکری
- افسر الدولہ فیاض الدین حیدر
- عابد رضا بیدار (سکریٹری)

نواں شمارہ: ۱۹۷۹ء

> اس سہ ماہی مجلے میں انگریزی، اردو، فارسی یا عربی میں ایسے مضامین شائع ہوں گے جو خدا بخش لائبریری کے نادر مواد پر مبنی ہوں، یا لائبریری سے کسی نہ کسی قسم کا تعلق رکھتے ہوں۔

PRICE Rs. 25/-

قیمت : پندرہ روپے

سالانہ زر خریداری —

اندرون ملک :	۶۰ روپے
پاکستان :	۱۲ ڈالر
یورپ :	۸ پونڈ
امریکا اور دیگر ممالک :	۲۴ ڈالر

محبوب حسین نے اردو حصہ پٹنہ لیتھو پریس بارسالین نیشنل ... اور انگریزی حصہ نادا پریس ترولیا پٹنہ میں چھپوا کر خدا بخش لائبریری سے شائع کیا

اس شمارے کے لکھنے والے

- **ڈاکٹر ذاکر حسین** (پ ۸ فروری ۱۸۹۷ء م ۳ مئی ۱۹۶۹ء) معاشیات میں تعلیمی ڈگریاں ہیں، لیکن تعلیمات میں کمال و اختصاص حاصل کیا۔ علی گڑھ کے گریجویٹ، جرمنی کے پی ایچ ڈی، جامعہ ملیہ کے دورِ جدید کے بانی اور پہلے شیخ الجامعہ (۱۹۲۶ء - ۱۹۴۸ء)، علی گڑھ کے عہدِ جدید کے پہلے وائس چانسلر (۱۹۴۸ء - ۱۹۵۶ء)، بہار کے گورنر (۱۹۵۷ء - ۱۹۶۲ء)، نائب صدر جمہوریہ ہند (۱۹۶۲ء - ۱۹۶۷ء)، صدر جمہوریہ ۱۹۶۷ء - ۱۹۶۹ء)۔

  آپ کی تصنیفات و تراجم میں جمہوریہ افلاطون، معاشیات نقد اور مبادی، تعلیمی خطبات اور معاشیات قومی قابلِ ذکر ہیں۔

- **ڈاکٹر یوسف حسین خاں** (پ ۱۵ ستمبر ۱۹۰۲ء م ۲۱ فروری ۱۹۷۹ء) پیرس سے تاریخ میں پی ایچ ڈی کی ڈگری لی۔ تاریخ کے ساتھ ساتھ اُردو ادب میں بیش بہا اضافہ کیا۔ آپ کی تصنیفات میں یادوں کی دنیا، روحِ اقبال، اردو غزل، حافظ اور اقبال، فرانسیسی ادب اور آہنگِ غالب قابلِ ذکر ہیں۔ ذاکر صاحب سات بھائی تھے، بڑے مظفر حسین پھر عابد حسین، پھر ذاکر حسین، پھر زاہد حسین، پھر یوسف حسین، پھر محمد حسین، پھر محمود حسین۔

بقیہ کے لئے ملاحظہ ہو جرنل ۱۰۵، ۶

فہرست

خلاصۃ الکلام:

تذکرۂ مثنوی گویان (سدۂ دوازدہم)	علی ابراہیم خان خلیل	۱
قطعات حسرت ۲	محمد سعید حسرت عظیم آبادی	۱۴
مکتوبات بنام قاضی عبد الودود	ڈاکٹر ذاکر حسین ڈاکٹر یوسف حسین خاں	۲۳
الاعتناء بالغناء عن الغناء للملا علی القاری	ڈاکٹر عبد الرشید	۵۰
رسالہ "ادیب" الہ آباد	عابد رضا بیدار	۸۹

مکتوبات حمادی کا قدیم ترین نسخہ (انگریزی)	پروفیسر سید حسن عسکری	

خلاصة الکلام

تذکرهٔ مثنوی گویان - سدهٔ دوازدهم

مؤلفه:
علی ابراهیم خان خلیل

پیشگفتار

خلاصة الکلام تذکرهٔ دیگر از مؤلف صحف ابراهیم است که برای مثنوی گویان فارسی مخصوص کرده و مابین ۱۱۸۰ — ۱۱۹۸ه سرانجام داد. و چنانکه مصحح در مقدمهٔ صحف ابراهیم (بخش معاصران) نوشته "برای تکمیل صحیفه لازم می‌آید که شعرای معاصر که در صحف باری نیافته" یا اگر مذکور شده ذکرشان خیلی مجملاً بوده بیایند با خلاصة الکلام در بارهٔ همان‌ها منتخب شده ضمیمهٔ شامل شاعت صحف ابراهیم (بخش معاصران) باشد.

کتابخانهٔ خدابخش دارای سه نسخه‌ای خلاصة الکلام است. از آنها نسخه‌ای که مشتمل بر تراجم با منتخبات مثنوی بر شرح حال ۱۰۵ شعرای پیشینیان و معاصر است، و اگر سه شاعر دیگر (عارفی و هلالی و یحیی) از نسخهٔ دوم خدابخش بر آن اضافه کنند تعداد کل شعرای مذکور در خلاصة الکلام بالغ به ۱۰۸ می‌شود. و نسخهٔ دوم، که قبلاً ملکیت خانوادهٔ مؤلف تذکره بوده و حالا به نوادر خطی این کتابخانه اضافه شده، نسخهٔ مفصل است مشتمل بر تراجم و هم منتخبات ۷۶ شعرا (تعداد ۲ اسامی کم از نسخهٔ بوده یعنی و ۲۲ کمتر از نسخهٔ اول خدابخش — هر دو در ردیف ض) و بیش از این نسخه‌ای مفصل که در این کتابخانه محفوظ بوده مشتمل بود بر تراجم و منتخبات ۵۸ شعرا فقط، با تعلق از وسط از ردیف خ تا ض.

از سائر ۱۰۸ شعرای متقدمین، متوسطین و متأخرین که در خلاصة الکلام مذکور شده اینک تقدیم می‌شود شرح حال معاصران و آنان که نزدیک بعهد مؤلف زندگانی کردند. این بخش معاصران مشتمل است بر ۱۷ شاعر. و دیباچهٔ مؤلف نیز نقل می‌گردد.

عابد رضا بیدار

آرزو ۵
ابراهیم ۴
اشرف ۵
باذل ۵
بیدل ۶
ثابت ۶
حزین ۷
خالص ۸
رازی ۹
عبدالجلیل ۹
غنیمت ۱۰
فقیر ۱۰
قزلباش ۱۱
نوعی ۱۰
مسیحای پانی‌پتی ۱۱
منت ۱۱
نجات ۱۱

دیباچہ

اما بعد ابر ضمایر پاک اہل ذکا و ادراک پیدا و ہویداست کہ در گنجینۂ ابداع و جواہر خانۂ اختراع نقدی کامل عیار و گوہری بہادار تراز سخن نیست . نقاش قدرت بزیبائی او بر لوح وجود نقشی نکشیدہ و دیدۂ صیرفی امور برعنائی آن نقدی ندیدہ بقا ہا بدو مشاطۂ جمال این شاہد جمیل است و شمع محفل افروز راز چہرۂ صبیح قیامت قید ازین جاست کہ جای فطرتان روشن بیان عمر بارد خلوتکدۂ تنہائی آوردہ دل پشت بر خواب راحت کردہ دماغ را بدود چراغ سوختن ہنر پیدا کنند و جان را در گوشۂ فکر گداختن زندگانی جاوید میخواہند۔

ظہوری:

بنام ایزد از حشمت و جاہ او — نفسہاست جاروب درگاہ او
ببینش گہر باد سیمش عقیق — بساطی جواہر کہ چیدہ این طریق
ہر انسی جا حرف اید و داستان — درین چار سو نظر یک دکان
فتاد این پسندیدہ گوہر برون — بموج نفس از محیط درون
رسیدہ است ہر کس بکمال سخن — ندارد سخن در کمال سخن
سخن را دل آدمی منزل است — سخن لعل باشد بدخشان دل است

ملا طغرا:

توان یافت از زردی لوح مزار — کہ آید سخن مردہ را ہم بکار
سخن نیست گر توشۂ راہ موت — بیاسین چرا کار است در حین فوت

بنا علیہ ابجد خوان لوح تعلیم اضعف العباد علی ابراہیم بیچارہ خیال در خاطر بست کہ احوال و افکار این طایفہ را نگارش کلک بیان گرداند و بدین وسیلۂ جمیلہ از دفتر خانۂ روزگار برات ہستی جاوید بنام خود ستاند تا آنکہ در سنہ سیزدہم از عہد خلافت بادشاہ اسلام واسطۂ پیروزی کار انام پاسبان دولت دین فلک اقتدار تخت نگین شاہ عالم بادشاہ غازی خلد اللہ ملکہ آہنگ ترتیب این تذکرہ پیش گرفت و بانتخاب اشعار ہمت برگماشت مخفی نماند کہ مقصود از تالیف تذکرۂ شعرا ہمین سلیقۂ انتخاب مایۂ اشعار گزیدہ بعلاوہ لباب است دیگر احوال و اوصاف این زمرہ را دقیق ورق پیچ شنق و تحسین شیوۂ بیان خواہد بود نہ مفردات بعنوان کل اما ترجیح بجائز کلام شاعر بر اندازۂ فطرت و استعداد

ومیل بهرس یا معتوانده بود. آری صاحب تالیف را حفظ ناموس اخبار گذشتگان و حاضران اینقدر لازم است که در مولد
و مسکن و اصل و نسل و سال وفات و مدفن ایشان از جادهٔ تحقیق انحراف نکند و از غایت جانبداری کار و مرحوم اندیشه گذشت را بجوید
خوب را زشت ننماید. بهر حال حقیر مؤلف در مراعات شرایط مذکوره با نقد دره مجوز تقصیر نشده و بهنگام تالیف بسیاری
از تذکرهٔ دولت شاه و خلاصة الاشعار و زبدة الافکار و مآثر رحیمی و تذکرهٔ طاهر نصرآبادی و تقی اوحدی و ناظم تبریزی
و کلمات الشعرا و مجمع النفائس و ریاض الشعرا و تذکرهٔ شیخ محمد علی حزین و تذکرهٔ علی رضا و سرو آزاد و غیره کتب تاریخ
در پیش نظر داشته است. خلاصه سخن اینکه درین دفتر خجسته آثار از اقسام شعر فقط ابیات مثنوی نگارش پذیر کلک بدایع
نگار گشته و بالتفات حروف تهجی از الف تا یا مرتب گرایی این تذکره را بچند وجه از تذکرهای دیگر امتیاز و اختصاص حاصل است.
یکی آنکه افسانهای غریب چه از جنس قضایای روزمره و چه از قصص عشقیه و ملاحم و نظم اشیای که بزاز هر نوع دران
آماده است. دیگر آنکه در حال انتخاب مثنویات مبسوط مثل گرشاسپ نامهٔ اسدی طوسی و شاهنامهٔ فردوسی و حملهٔ حیدری
و شاهجهان نامهٔ کلیم و قدسی و غیره بوالعجب صنعتی بکار رفته که ابیات سنجیده از سایر داستانهای منتخب عزیز گوی
فراهم آورده شد که ربط معنوی ابیات و سلسلهٔ افسانه رنگ گسیختگی در بر نگرفت. بالجمله از ارتباط بر انتقال ابیات داستانی
بر داستانها سالها چندین سرگردان دبستان دانایی شبانه روز بیاز زندانست و خلوت از صحبت تمیز توانست کرد
تا این صنعت از دم مالایلزم عرف شیوهٔ انتخاب گردید. هر که نسخهای منتخب عزیز از هر نامه بنظر امعان دیده باشد
قدر این منتخب را بهتر خواهد شناخت و در روز گاهی باکاوی مؤلف حقیر خواهد رسید و آنچه از منظومات بتصور ... تعلق پذیر
مجموعهٔ بی تصرف تقدیم و تاخیر ابیات بر وفق ترتیب نسخهٔ اصلی در سلک انتخاب کشیده شد. بنگاشته آبادی
سودای میسر نبود و غربت معرکه گیری دوکان داری پیرامون خاطر نمیگشت. مدتی دراز مسودات منتخبات بیکار و معطل
افتاده بود. الحمد لله که درین اوان سعادت اقتران که منصب وزارت با شوکت و جاه و حشم و چراغ دودمان بیدار بخت خجسته
آثار نوچین اقبال و نیابت جلال آصف الدوله عمدة الملک وزیر الممالک خان بهادر ... جنگ بلندپایه حکومت بلاد
شرقی هند با اقبال فرخنده رای خجسته منظر فرخ ... بلند اختر فلک گیر ... کشورکشای امیر الممالک عماد الدوله
گورنر جنرل ... سپهسالار بهادر جلادت جنگ ... این مجموعه ... تمامی دید و نام
خلاصة الکلام موسوم گشت و چون خاطر حساب دان بشیوهٔ ... سال خاتمت ... و مقصد دل دو دشت
... بعض جو ... مطابق یافت امید ... که ... این مجموعه ... بیاسان ... تا مل
... اگر سهوی و خطا ... بپوشد کریم ... اصلاح کوشند ... شد.

(الف)

خلیفه ابراهیم دهلوی : جلالت شان و جلالت عرفان ایشان را معنی خان وارد در مرآة الشعرا بیان از معتقد بیگ
با خلیفه مذکور داشتند نقل و نثر آسیب نگاشته‌اند و راقم این سطور اندکی از آن بسیار در بیان احوال آن بزرگوار بر سبیل
اختصار ایراد می‌نماید که والد ماجد او مسمی به محمد جلیل والمشهور به حاجی بابای بدخشانی از ترکستان به هندوستان رسیده - خلیفه موصوف
عبد محمد ابراهیم خلیل الله در سنه یکهزار و هشتاد و هفت در شاهجهان آباد دهلی متولد گردید - چون آثار بزرگی از اطوار آن
پیدا بود آن جوهر یک‌دانه در آوان جوانی در سلک سپه فتح الله خان خوستی که از امیران اورنگ زیب عالمگیر بادشاه
بود انسلاک یافته با میر جلال الدین حسین بدخشانی که مولدش هندوستان و جا عادی ایشان اختصاص داشت
سپری میگذرانید - و میر مذکور که یکی از اقطاب زمان خویش و مستور الاحوال بود حقی همت بر تربیت او مبذول داشت
تا خلیفه مذکور بجای ارتقا نمود و اکثر بلاد هندوستان را بقدم سیاحت پیموده فیض از صحبت مشایخ هر سلسله
برداشته آخر به سلسله نقشبندیه خرقه از میر جلال الدین مذکور در بر کرده از آن حضور خدمت خلافت این سلسله علیا
یافته مشهور و معروف و در دور گردید تا آنکه محمد معز الدین ابن محمد معظم بهادر شاه ابن محمد اورنگ زیب عالمگیر بادشاه را
بوفور تمام بخدمت خلیفه بهم رسیده و بشارت سلطنت از وی یافته چنانچه بعد چند سال که والد عزیزش بعالم بالا شتافت
سه برادر دیگر را مغلوب خود ساخته بر سریر سلطنت هندوستان متمکن و بلقب جهاندار شاه ملقب گردید - و آخر کار چون جهاندار
شاه پا از جاده معدلت و طریقه پاس شریعت بیرون گذاشته خلیفه مذکور که معاون ظاهر و باطن آن بادشاه بود از مشیر
و کنار و صحبت ترک آشنایی نمود تا آنکه بعد از یازده ماه مغلوب برادرزاده خود که محمد فرخ سیر بادشاه مرحوم باشد
گردید و هیچکس را یقین شد که معز الدین شاهزاده بوجه خلیفه الی هم السلطنت رسیده از بی‌توجهی خلیفه بپاس عدم ادب رسید -
چون محمد فرخ سیر بادشاه از خلیفه خائف و اندیشه داشت و مدت هفت سال سلطنت او در دکن و ممالک دیگر بسر برده در عهد
محمد شاه بادشاه وارد دهلی گشت - چون معزولان درگاه بادشاهی نیز خاطر آن بادشاه را از او مشوش ساختند ناچار خلیفه با شاره
نواب سعادت خان برهان الملک صوبه‌دار لکهنو که با خلیفه محبت و عقیدت داشت حرکت بجانب لکهنو نمود و مدتی سکنی گزید -
و بعد حدوث نادرشاه تهرانی ایران از خرابی دهلی در سنه یکهزار و یکصد و پنجاه و دو هجری باز بدهلی مراجعت نموده گاهی
در دهلی و گاهی در لکهنو میگذرانید - خلیفه موصوف تصنیفات متعدده در حل نکات مشکله اصطلاحات صوفیه دارد از انجمله
شرح نکات سید نعمت الله کرمانی است که در آن مطالب علیه بیان فرموده است - و با آنکه حضرت خلیفه الی جد

لیکن باشاره روحانیت مولوی معنوی و باجازت پیر خود میر جلال الدین بدخشی قصهٔ شاهزادگان را که در آخر دفتر ششم مثنوی مولوی ناتمام مانده بود در دفتر هفتم موقوف بود به تنظیم آن پرداخته دفتر هفتم با تمام رسانید. و ازین دفتر چهار دفتر دیگر هم رسید که مجموع ساختگی دفتر پسین شش دفتر مثنوی معنوی افزود و بسبب امی بودن و عدم ربط بقواعد شاعری بعضی جا اقتضای بحر و قافیه نگرموده است. با اینهمه حال تنظیم مثنوی دلیل بر خرق عادت و کمال اوست. و کتاب مذکور مشتمل بر شش هزار بیت است۔

اشرف : ... خلف ملا محمد صالح مازندرانی شارح اصول کافی است. فاضل متین و شاعر رنگین بود و باخلاق ستوده اتصاف داشت. در بند الفاظ نابسته و مضمون تازه آفرین بیت آن را بغایت معروف بود که اشعارش کمتر چاشنی درد دارد. مثنوی قضا و قدر در باره قضا و قدر بر محمد قلی سلیم گفته و معانی تازه و تشبیهات و استعارات روان بسیار بکار برده. اوایل بادشاه فرخ سیر از راه بنگاله عازم بیت الله بود که در قصبهٔ مونگیر مضافات صوبهٔ بهار مسافر اقلیم عدم گردید. در همان قصبه سنه یکهزار و یکصد و شانزده هجری مدفون شد. و آنکه صاحب ریاض الشعرا نوشته که از هندوستان بایران مراجعت کرده در اصفهان ساکن گشت قرین صحت نیست۔

آرزو : ... از مشاهیر شعرای هندوستان صاحب طبع قرار داده مستعدان بود. در سایر اقسام نظم جامه ستوده غزل را دو سخنوری داده و مضامین تازه و معانی بلند از طبع دقیق‌کش زاده است. صاحب فطرتان عهد محمد شاهی خوش ذوقی و دادوستگاهی اعتراف دور تحقیق دقایق سخن و مشکلات این فن رجوع باو داشتند. از منصبداران محمد فرخ سیر بادشاه و سخن سرای کهن سال و جنگ نامه آرای معرکهٔ قیل و قال بود. در دار الخلافهٔ دهلی سخنوری و لطیفه سنجی و بذله گویی و مزاح اشتهار یافته. نیکی‌تش با مثنوی جوش و خروش و ساقی نامه موسوم بعالم آب و مثنوی در بحر حدیقة الحکیم سنائی غزنوی علیه الرحمه قریب سی هزار بیت است و علاوه آن مؤلفات متعدد داده۔

(ب)

باذل : هرچند مثنوی مرزای مذکور که مرغوب الطبایع و مشهور است باسلوب شاعری و تراکیب لفظی برابری با شاهنامه های اساتذه نتواند نمود. اما بر جزء معنوی که مشتمل بر معجزات حمیده و بیانات علیه الصلوة و غزوات اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب علیه السلام است. ابر تمام شاهنامه ها شرف دارد و چه شعرا مضامین عالیه را در غیر مواقع محل صرف درده اند و مضامین خود و دیگران را محل مجوز نموده است. بدین جهت در انتخاب آن هر قدر انتخاب صرف گنجایش داشت. اما راقم آثم بتحریر بعضی غزوات پرداخته ابیات برگزیده که در داستان دیگر یافت بحسب مقام در همان غزوات انتظام داده۔

[illegible] ... سیف خان و اسلام خان [illegible]

(ح)

حزین : [illegible]

[illegible]

خ

[illegible]

(ر)

رازی: [illegible] خان رازی تخلص [illegible] میر محمد تقی [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] میر محمد [illegible] عالمگیر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاهجهان آباد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] درویشی [illegible] [illegible] فضل [illegible] [illegible] مثنوی [illegible] [illegible] [illegible] خان [illegible] محمد افضل سرخوش صاحب کلمات الشعرا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حقیقت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

(ع)

عبدالجلیل. [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در فضول [illegible] ایراد یافته.

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مثنوی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] این بیت گفته:

میر عبدالجلیل کردند [illegible] [illegible] [illegible]

(غ)

[illegible]

(ف)

[illegible]

فوقی : [illegible]

(ق)

قلندر [illegible]

[illegible]

(م)

نسیمی [illegible]

[illegible]

کتاب [illegible] قریب [illegible] است [illegible]

نظم داده است.

منت : [illegible]

[illegible]

[illegible] یک بیت است [illegible]

(ن)

نجات : [illegible] مرحوم [illegible]

[illegible] به دست مشرب و صفای طینت موصوف بود [illegible]
[illegible] در سلک شاگردان نظام شاه [illegible] منسوب بود [illegible]
[illegible]
[illegible] گذاشته است [illegible] اشکال [illegible]
[illegible] است.

غلط نامہ

خلاصۃ الکلام

صحیح	غلط	صفحہ سطر	صحیح	غلط	صفحہ سطر
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

محمد سعید حسرت عظیم آبادی

تاریخهای پیدایش و وفات معاصران (۲)

م - حاجی شاه محمد [illegible] بستم [illegible]

حسرت [illegible] [illegible] ۱۲۰۰ھ

م - مولوی [illegible]

[illegible] گو خدا [illegible] ۱۲۹۰ھ

م - [illegible] ذی الحجه)

[illegible] نواب خان صاحب امیر علی بیا ۱۲۹۶ھ

[illegible] [illegible] ۱۲۹۰ھ

م - [illegible] نشان)

[illegible] ۱۲۵۹ھ

م - مولوی محمد حسین [illegible]

گو [illegible] [illegible] حساب [illegible] ۱۳۰۰ھ

م - حاجی میر محمد [illegible]

گفت حسرت سال [illegible] [illegible] سوم ۱۳[illegible]ھ

گفت زدنیا کوچ نمود [illegible] محمد قاسم [illegible] ۱۳۰۰ھ

م - شیخ [illegible] الدین [illegible]

سال تاریخ [illegible] حسرت [illegible] [illegible] کریم ۱۳[illegible]ھ

نقش اول [illegible] [illegible] چاپ شده -

[illegible] از مقصد [illegible] -

۴ - مولوی سید [illegible] الدین حسین خان بہادر

[illegible]

ولید ا ویلیم لیسیل مستبر ا

[illegible]

مولوی سید

[illegible]

پسر مولوی ... [illegible]

[illegible]

۲ - ریاضت حسین خاں ... [illegible]

[illegible]

ب - پسر مولوی محمد حنیف ... [illegible]

[illegible]

۳ - ... [illegible]

[illegible]

... مولوی ذکی احمد

سال تاریخ ... [illegible]

۴ - مولوی عبدالعزیز ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

م۔ شاہ عبداللطیف [illegible]

[illegible] عارف باکباز آگاہ [illegible]

۱۳۰۱ھ

م۔ سید شاہ محمد عباس [illegible]

[illegible] سیم [illegible]

۱۳۰۱ھ

م۔ مولوی محمد احسن

[illegible] شعبان چارشنبہ [illegible]

۱۳۰۱ھ

[illegible]

۱۳۰۱ھ

م۔ محمد نور [illegible]

[illegible]

۱۳۰۱ھ

م۔ شاہ قیام الصدق [illegible] چشتی

[illegible]

۱۳۰۱ھ

[illegible]

۱۳۰۱ھ

[illegible]

۱۳۰۱ھ

م۔ [illegible] مولوی صدیق حسن خان [illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳۰۱ھ

م۔ مولوی غلام محمد [illegible]

[illegible]

۱۳۰۱ھ

[illegible]

م - شاہ غلام محی الدین عرف شاہ محمدن

چون زجہان بہ بوستان وفات — گشت عابد غلام محی الدین
۱۳۰۱ھ

م - مولوی شاہ علی امیر حق رئیس [illegible] عظیم آباد

بادل زار سال او خضر [illegible] — [illegible] گفت
۱۳۰۲ھ

[illegible] گفت [illegible] — [illegible] رجب [illegible] چہار دہم
۱۳۰۲ھ

م - میر واعظ حسین (وفات [illegible] بیست و ہشتم [illegible] دوشنبہ)

[illegible] رحلت و تاریخ [illegible] — [illegible] حسین سید پاک آمد [illegible]
۱۳۰۲ھ

[illegible] کار [illegible] کرد [illegible] — سال [illegible] کر بود [illegible] طرف
۱۳۰۲ھ

م - شاہ عبد الحق [illegible] (پنجم صفر [illegible])

[illegible] رحلت [illegible] — [illegible] حق [illegible]
۱۳۰۲ھ

[illegible] کشید [illegible] آه — گفت [illegible] صفر [illegible]
۱۳۰۲ھ

پرسد کسی چو سالش گو [illegible] — [illegible] سید [illegible] اہل جہان بہشت
۱۳۰۲ھ

م - حاجی سید امداد علی خان [illegible] مقام [illegible]

[illegible] دست در [illegible] — [illegible] امداد علی خان

م - [illegible] میر محمد قاسم شہید ([illegible] ربیع الآخر [illegible])

قبض اللہ روحہ الازلی — صار تاریخ موتہ [illegible]

گفت تاریخ دلم بانالہ — [illegible] ماہ ربیع الآخر
۱۳۰۲ھ
۱۳۰۲ھ

م - [illegible] (خادم مصنف)

[illegible] سال [illegible] — دل [illegible] گفت [illegible]
۱۳۰۲ھ

م ـ حکیم عبداللہ [illegible]

[illegible] [illegible]

م ـ مولوی فدا حسین [illegible]

[illegible] [illegible]

ب ـ [illegible] حسن [illegible]

[illegible] [illegible]

سید ذوالفقار علی

م شیخ ذیر الدین [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible]

م ـ حاجی مولوی محمد اسمٰعیل [illegible]

[illegible] [illegible]

م محمد حسن خان [illegible]

[illegible] [illegible]

م مولوی شاہ محمد [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

م ـ مولوی شاہ محمد یحییٰ [illegible]

[illegible] [illegible]

زو دلی ... [illegible] — گفت تاریخ بود رکن عظیم ١٣٠٠ھ

[illegible] — در کرا بود دستوار هدی ١٣٠٠ھ

[illegible] رحمت او — ذیقعده دو حنہ گفتم ١٣٠٢ھ

سال ... [illegible] گفت — واقف رحمت وشتم ... ١٣٠٢ھ

... در رحمت ... [illegible] — تاریخ ... [illegible] ١٣٠٢ھ

م۔ حافظ عبدالقادر رحمان مرحوم ولد حافظ ... عبدالمجید خان رامپوری (بست ودوم ذیقعده پنج شنبه)

گفت ... سال وفات ... [illegible] — ... [illegible] کلام مجید ١٣٠٢ھ

م۔ ... شاہ معین الدین احمد پسر ... [illegible]

گر سال ... [illegible] — ... [illegible] ١٣٠٢ھ

م۔ مولوی محمود عالم ... [illegible]

گفت ... [illegible] — ... [illegible] ١٣٠٢ھ

شد ... [illegible] تاریخ — رحمت حق ... [illegible] ١٣٠٢ھ

م۔ میر حامد حسین عرف ... صاحب ... [illegible]

... [illegible] — ... [illegible] ١٣٠٢ھ

م۔ حکیم عبدالمالک بن حکیم ... [illegible]

دعائیہ تاریخ ... گفتم — ... [illegible] وجود ١٣٠٢ھ

م۔ میر ابراہیم حسین ... [illegible]

[illegible] بیک تش — بہ باغ گور بیع الاخر [illegible]
[illegible]

م۔ حافظ جمال الدین [illegible] بستم ربیع [illegible]

[illegible] — [illegible]
[illegible]

[illegible] جمال الدین [illegible] — [illegible] جمال حق [illegible]

[illegible] تاریخ — [illegible] حافظ کامل [illegible]
[illegible]

ب۔ [illegible] مولوی سید ظفر [illegible] (بستم ربیع الآخر [illegible])

[illegible] — [illegible]
[illegible]

م۔ عبدالسلام [illegible] مولوی [illegible] (محرم جمادی الاولی [illegible])

[illegible] — عبدالسلام [illegible]
[illegible]

م۔ گلاب شاہ (بستم جمادی الاولی [illegible])

[illegible] تاریخ [illegible] حضرت [illegible] — [illegible] رحلت گلاب شاہ جوان
[illegible]

م۔ حافظ عبدالغفور

[illegible] — [illegible] جمادی الآخری
[illegible]

م۔ مولوی عبدالرزاق [illegible]

[illegible] — عبدالرزاق [illegible] رحلت [illegible]
[illegible]

م۔ مولوی عبدالعلی [illegible]

[illegible] — [illegible] رحمت حق [illegible]
[illegible]

پ۔ [illegible] حکیم آغا حسن [illegible]

[illegible] — [illegible] حسن [illegible] سعید
[illegible]

م۔ سید شاہ حسین علی [illegible] رجب)

تاریخ رحلت [illegible] — حسین علی [illegible]
[illegible]

بحساب جمل آیا رندہ — بادیا سید رسل بہشت
۱۳۰۲ھ

م۔ شیخ الفت حسین مختار

بسال انتقالش ہاتف غیب — ندا زد فاسال لاخت لک اللہ
۱۳۰۲ھ

م۔ محمد عثمان برادر مولوی جنت حسین

از سر بالہ بر آمد زکلک آواز — حیف مظلوم [illegible] مرد محمد عثمان
۱۳۰۲ھ

سال این حادثہ جان فرسا — [illegible] از علم قضا و [illegible]

م۔ شیخ عبدالصمد خلف شیخ ولایت حسین

چون خواستم از حضرت [illegible] تاریخ — [illegible]
گفت سال وفات او حضرت — شیخ عبد [illegible]
سال فوتش بو دازروئی [illegible] — شیخ عبد الصمد [illegible]

م۔ اعز الدین دہم رمضان شنبہ

سال فوتش گیر [illegible] — [illegible] رسول [illegible]
۱۳۰۲ھ

گشت تاریخ آہ [illegible] — عاشق [illegible] نبی خدا
۱۳۰۲ھ
[illegible] تاریخ [illegible] — [illegible] شنبہ [illegible]

م۔ حکیم نور علی پانزدہم رمضان، سہ شنبہ

گفت حضرت سنہ فوتش کو — [illegible] نور محمد [illegible]
۱۳۰۲ھ

م۔ سید حسن رضا بست و ہشتم رمضان جمعہ

گفت سال وفات او حضرت — حیف سید حسن رضا [illegible]
۱۳۰۲ھ

م۔ میر مکرم حسین

ملک از فلک سال تاریخ فوت — [illegible] رفت او بکو گفت
۱۳۰۲ھ

م ۔ ملا نظیر ساز کی حافظ قرآن و محدث اہل کمبار بود بست و چہارم ربیع جلسہ

حسرت ... شدہ تاریخ وفات ... حق ... رحمت

۱۲۲۲ھ

م ۔ شہربانو بنت میر محمد ... ۱۰ دہم شعبان موضع گیلانی

جان ... بہشت حرت ... گفت ... کی ...

۱۲۲۲ھ

م ۔ حافظ حکیم محمد حسن خان ... ۲ ذیقعدہ ... شد ...

گفت ... ده گر ... مسیحا رفتہ

۱۲۲۳ھ

تاریخ پیدائش و وفات معاصران [illegible]

غلط نامہ

صفحہ/سطر	غلط	صحیح	صفحہ/سطر	غلط	صحیح	صفحہ/سطر	غلط	صحیح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	۲۰/۱۹	بغضی	بقطبی	۲۱/۸	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	۱۹/۱۹	اخابیہ	دعایہ	۲۱/۲۳	وادیلا	واویلا
۲۰/۱۶	دیمہ	دومیہ	۲۰/۳	بخت	بخت	۲۲/۹	زومیں	زمین
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]			
[illegible]	تمی	سنس	۲۱/۱	دیا	طادیا			
۱۸/۱۰	دل	دل	۲۱/۳	اسمان	آسمان			
۱۹/[illegible]	جوبغت	جوہر ہست	۲۱/۵	معقول	زکوٰۃ			
۱۸/۲۳	زیبابخت	زیب بخت	۲۱/۸	خواسیم	خواسم			

اضافہ

[illegible]

[illegible]

[illegible]

م - ستارہ محترم:

[illegible]

پ - پسر میاں تراب علی:

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ھ - زوجہ [illegible]

[illegible]

مکتوبات

بنام

قاضی عبدالودود

پیش گفتار

[illegible]

[illegible] impressed [illegible]

[illegible]

(۳)

[illegible]

ڈاکٹر ذاکر حسین

RAJ BHAVAN
PATNA

(۱)

۱۰ اکتوبر ۶۸ء

محب کرم ۔ تسلیم

عنایت نامہ کو بہت دن ہو گئے ہیں۔ میں کچھ سفر ہی میں رہا۔ دہلی، حیدرآباد، کٹھمنڈو اور اب ۲۰ کو پھر دہلی! مولوی عبدالحق کا قصہ تو کچھ عجیب سا ہو گیا ہے۔ سُنا ہے کسی سے ملتے نہیں ہیں۔ افسوس ہے کہ اس طرح ہیں جیسے حفاظت سے ساتھ ہے۔ وہ بھی زیادتی کرتے ہیں اور ان پر دوسرے لوگ بھی۔ کاش بہر حال حرب ہوتا ہے افسوس ہے کہ آپ ان کی کتابوں تک نہ پہونچ سکے۔

پہلے مہینہ کا جو آپ کے معلومات سفر کے لئے منظور ہے نوائے ادب کا پرچہ جس میں ڈاکٹر اوریوں کے مقالہ پر تبصرہ ہے مجھے مل گئی تھی، نہ جانے آپ کی بھیجی ہوئی تھی یا براہِ راست بمبئی سے آئی تھی مضمون پڑھا۔ آپ کی محنت۔ لفظی داد دونوں نہ دے کر تحقیقی کام کرنے والوں کو آپ جیسا نظر مل جائے کرے تو کیا اچھا ہو۔ اکثر ایسا ہوتا ہے کہ نگراں خود نظر سے محروم ہوتے ہیں۔ دو محنت سے تو سب ہی بچ جاتے ہیں۔ سرب سنگھ دیواد پر جو مختصر لکھ کر اے صاحب کے ریویو میں تھا وہ او دیکھا؟ مضمون پورا نہیں ہوا 'عبدالحق بحیثیت محقق' کا انتظار رہے گا۔

امید کہ آپ اچھی طرح ہوں گے۔ میاں سعید کیسے ہیں؟

مخلص
ذاکر حسین

(۲)

RAJ BHAVAN
PATNA

۲۸ اکتوبر ۶۸ء

مجی قاضی صاحب ۔ تسلیم

نوازش نامہ ملا۔ دونوں مضمون مجھے مل گئے کے بعد مل گئے تھے۔ نوائے ادب کا وہ نمبر براہ راست بمبئی سے آ گیا تھا۔

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] میں دبی جاتا ہے۔ خدا حافظ۔

مخلص
ذاکر حسین

(٣)

BIHAR GOVERNOR'S
CAMP

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اب چھپوا ڈالیے۔

خیر طلب
ذاکر حسین

[illegible]

[illegible]

ذاکر حسین

(۴)

BIHAR GOVERNOR'S CAMP

[illegible]

مجی وددو صاحب۔ تسلیم

[illegible]

کو دیں تو اچھا ہو۔ والسلام

مخلص
ذاکر حسین

(۵)

RAJ BHAVAN
RANCHI

[illegible]

[illegible]

تصحیح تعلیقات کی اگر نسخہ بہار شیوہ اور تصنیفات قاطع برہان شامل ہوں تو حواشی میں جہاں مطلب
کو (دیا) تک نہ پہنچے۔ اگر ایک ایک عدد کا ترجمہ اعداد سے متعین کر دیجئے تو اچھا ہو۔ اس سے طالب علم کے
سمجھنے میں آسانی ہوگی۔ اس نوٹ کا انگریزی میں ترجمہ ڈالیے تو اچھا ہو۔ میں سے چند سطور ہو گئے آپ کو
معلوم تھا کہ اس میں تھا کا جب معروف تھا [illegible]

مخلص
ذاکر حسین

(۶)

BIHAR GOVERNOR'S CAMP
رانچی
۲۱ جولائی ۱۹۶۰ء

محب مکرم السلام علیکم

نوازش نامہ ملے عرصہ ہو گیا تھا۔ بعض کاموں میں ایسا الجھا کہ اس سے پہلے جواب نہ لکھ سکا۔

پس ورق میں سید صاحب کے کچھ نام بھی بھیجے۔ ان کی رسید بھیجنے میں غافل رہا ہوں، مگر پھر بھیج ہی دی۔ آپ سب پہلے تھے۔ نام معلوم ہو جاتے تو اچھا تھا

دیوان [illegible] کو وقت سے دیکھ رہا ہوں، اس میں املا کی یکسانیت ذرا نہیں ہے۔ مثلاً بیے، لیے، [illegible] کہیں ایک طرح کہیں دوسری طرح ایک ہی صفحہ پر ایک ہی سطر میں ملتے ہیں۔ اسی طرح نمائش، نمایش، آزمائش، آزمایش اور ستائش، ستایش، شائستہ اور شایستہ۔ یا اعتماد اور اعتقاد [illegible] دونوں جگہ آنے والے الفاظ ہیں، کہیں ہوا ہے کہیں ہوا۔ [illegible] اور [illegible] اگر رائج، دیگر، [illegible] نگاری اور [illegible] عام [illegible]۔ [illegible] ملتے ہیں، یہی [illegible] بھی اسی طرح۔ یہ کتاب [illegible] نگاری کی طرف سے شائع ہوگی۔ اس میں املا تو ایک لفظ کا ایک ہی ہونا چاہئے، جو لفظ اوپر لکھے ہیں اگر ان کا رسم نہ ہو تو قرینہ لگائیں کس طرح کر دینا درست ہوگا [illegible] سے متعلق کوئی رسالہ یا مضمون ہو جو ایسے مسائل کے حل کرنے میں مدد دے تو اس کی نشاندہی فرما دیں تو شکر گزار ہوں گا۔

ادارۂ تحقیقات اردو اور غالب کے کلیات کے متعلق تجویز جلد مکمل فرما دیتے تو اچھا تھا۔ میں چاہتا ہوں کہ اس جلسے تک حبیب خسرو صاحب سے گفتگو کروں۔ مجھے امید ہے کہ وہ توجہ کریں گے۔

والسلام

مخلص ذاکر حسین

(ب)

BIHAR GOVERNOR'S CAMP

رانچی

۲۸ جولائی ۱۹۶۱ء

محب مکرم ۔ تسلیم

آپ کا ۲۴ جولائی کا لکھا ہوا گرامی نامہ مجھے یہاں ۲۶ کو ملا۔

سہ ماہی ڈاک کے لوگ ہڑتال سے پہلے، ہڑتال کی مشق کر رہے تھے۔ میں نے ۲۰ کو خط لکھا تھا، یقین ہے کہ مل گیا ہوگا۔ اس میں جو سوالات تھے وہ وہاں گئے، مشکل۔ مگر دو بڑے والے حصوں میں کمی ان کے متعلق کچھ آپ نے پوچھا ہے، براہ کرم ان سوالوں کا جواب بھی لکھ دیں۔

مسعود صاحب نے رسم افتتاح والے جلسے کا مطبوعہ نسخہ بھیجا ہے۔ چھپائی کی غلطی ابھی ہے۔ آپ نے سب کچھ میں درست کر کے کیسی چھپی چاہئیں۔ اردو کے متعلق آپ نے جو لکھا ہے غالب ایسا ہی تھا کہ ٹھیک وہی اس تجربے پڑھنے نے بھی تفصیلی اور قدروں میں جلوے ساتھ Identification کی صورت ہوتی ہے۔ یہ کیا کم حاصل کیا ہے کہ اصول سے کام حسن عسکری نے بعض لوگوں کو عشق دیا۔ وہ مگر کسی قول کے اسید اور جو سب سے اس کی محبت کا ذریعہ ہوتے ہیں ان کا یہ قول جب مجھے معلوم ہوتا ہے کہ ان کا سب عدہ سلسلہ میں کسی درستے کی کمی اس میں۔ مجھے لکھ بھیجنے وقت سے بھیج دو۔

اردو اداروں کے بارے دوسروں کے سعی آپ کے وقت کا منتظر رہوں گا۔ والسلام

مخلص ذاکر حسین

(۸)

راج بھون - رانچی
۲ اگست [illegible]

محب مکرم - تسلیم

[illegible]

مخلص
[illegible]

(۹)

[illegible]

[illegible]

محب مکرم۔ تسلیم

غالب کے کلیات نظم فارسی کے ذیل [illegible] موجودہ شعر پر آپ کا مضمون بھی [illegible] [illegible] کا مضمون [illegible] پہلے [illegible] تھا [illegible] پڑھا۔ [illegible] کا حال ہے۔ افسوس [illegible] کا اہتمام کرنا [illegible] ہر صفحہ میں تو [illegible] لازم ہے [illegible] کا اہتمام بھی ضروری ہے مثلاً آپ کے مضمون [illegible] موجودہ ہے غالباً [illegible] ہوتا تو بہتر تھا۔

[illegible] کا اہتمام [illegible] کی کوشش کریں مثلاً [illegible] [illegible] کا فرق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

جیسا صاحب لکھیں [illegible] ہیں۔ پروف کو کئی نظر پڑھوا لیجئے گا۔ امید ہے کہ اب کتابت اور طباعت کا کام جلد ہی شروع ہو جائے گا۔ والسلام

مخلص
ذاکر حسین

(۱۰)

راج بھون۔ رانچی
۱۴ر اگست [illegible]

محبی قاضی صاحب تسلیم

[illegible] کے بعد کے [illegible] آئے تھے۔ کافی دونوں اچھے تھے۔ ظاہر ہے [illegible] بہتر ہے لیکن وہ مجھے [illegible] معلوم ہوا۔ معلوم نہیں کہ کتاب کے اوراق کے [illegible] صاحب [illegible] ہے کہ [illegible] دیکھے ہیں اگر ان کی وجہ سے کم ہونا زیادہ ہے، اگر وہ [illegible] اندازہ لگا سکیں کہ کتاب میں کیسا رہے گا تو اس کو منتخب کریں ورنہ دوسرا بھی برا نہیں ہے۔ قاطع برہان کے [illegible] نسخے ہی چھپوا لیے تو [illegible] زیادہ نہ ہوگی خدا کرے آپ بخیر ہوں۔ نورالدین صاحب سے میرا سلام کہئے۔

مخلص
ذاکر حسین

[illegible] صاحب سے [illegible] نہیں ہوا؟

ذاکر حسین

(۱۱)

RAJ BHAVAN
PATNA

۱۸ر اکتوبر [illegible]

محبی [illegible] صاحب۔ تسلیم

نوازش نامہ کا شکریہ!

[illegible] لکھا ہے۔ لیکن ابھی [illegible] تک جب پٹنہ جاؤں۔ ۲۵ کو [illegible] جا رہا ہوں۔

[illegible] نومبر [illegible] بھی ہوگا ۔ پھر [illegible] [illegible] ہے ۔ وہاں سے [illegible] تو [illegible] ۔ ہم [illegible] دہلی [illegible]
آپ اگر ۲۰ (دو شنبہ) کھانا کھالیں تو بہت اچھا ہو ۔ یہ دن اور تاریخ کسی بڑی مصیبت سے بچ
کر نہیں رکھی ہے ۔ اس لیے اگر آپ [illegible] ہو تو اس کے بعد کوئی تاریخ ہو سکتی ہے ۔ اپنے
فیصلے سے شروع دسمبر تک مطلع فرمادیں ۔

تذکرہ کے پہلے ایڈیشن [illegible] اور [illegible] صاحب کے جو نسخے ہیں جو
[illegible] کچھ مشتبہ نظر آتے ہیں وہ لکھتا ہوں ۔ اپنی رائے سے مطلع فرمائیے [illegible] یہ تحفہ [illegible]
اس [illegible] پریس والا نسخہ اس دفعہ ساہتیہ اکادمی کو دینے کے لیے ساتھ [illegible] [illegible] دہلی
میں [illegible] اگر یہاں جواب ۲۰ کی شام تک نہ پہنچ سکے تو پھر [illegible] [illegible] بھون کے پتہ پر
بھیج دیں ۔ امید ہے کہ جلسہ سے پہلے مجھے مل جائے گا ۔ [illegible] پھر [illegible] [illegible] لکھتا ہوں وہ
شعر یہ ہیں :

نہیں [illegible] تنہا انصاف یہ ہے ۔۔۔ کہ ہم خود بد آموز قاتل ہوئے ہیں
من از فریب عبادت گدا شدم ورنہ ۔۔۔ ہزار گنج بہ ویرانۂ دل افتادست
بیا کہ رونق این کارخانہ کم نشود ۔۔۔ زہد ہمچو توئی یا بہ فسق ہمچو منے

تا بغایت ما بر [illegible] نشستیم ۔۔۔ عاشق ہم [illegible] [illegible] [illegible]
آنکس کہ ز غوغاۂ [illegible] برد ۔۔۔ بر خلق جہان دل [illegible] [illegible]
[illegible] نیز نیست [illegible] [illegible] ۔۔۔ آن نیز گر از دست [illegible] [illegible]

: اطلاعاً
مخلص
ذاکر حسین

(۱۲)

RAJ BHAVAN
PATNA
[illegible] نومبر [illegible]

محبی قاضی صاحب ۔ تسلیم ۔
[illegible] شکریہ
[illegible] سفر سے واپس [illegible] [illegible] خط کا جواب [illegible] [illegible]

ہاں تو چونکہ [illegible] تہذیب اور درد کے جو دوں رسائل ہیں خرید لوں گا۔ کیا قیمت جتنی بھی ہو گی۔ وہ چاہیں تو خریداری ہی مجھے بھیج دیں۔ یا آپ کے پاس بھیجیں میں قیمت آپ کو دے دوں۔ بہرحال کتابیں روانہ کر دیجئے۔

اشعار کے متعلق آپ کی رائے کا شکریہ۔

وہ تو [illegible] کا مطلب [illegible] ملاقات کے وقت پوچھ لوں گا۔

باقی رہے [illegible] کی نسبت کے [illegible] کئی صفحے دیکھے اور بعض امور کے متعلق [illegible] رہ بھی گیا ان میں آپ کی ہدایت کی پابندی کر رہے ہیں۔ لیکن بعض جگہ معاملہ میری سمجھ میں نہیں آیا [illegible] ایک ہی چیز [illegible] درج ہے [illegible] کوئی اور [illegible] نہیں رہی۔

ایک اور سوال لفظ کا [illegible] ہے۔ [illegible] ایک حصہ کو دوسرے حصہ پر [illegible] سطروں کے آخر میں ایسا ہوا ہے کہ کسی حصہ کو دوسرے حصہ پر چڑھا کر لکھنا پڑتا ہے اور ساری سطر کا بین الالفاظ فاصلہ متاثر ہوتا ہے [illegible] ہر سطر [illegible] سے پہلے ایک [illegible] کی ہدایت سے بھی کچھ مشکلیں پیدا ہوتی ہیں۔ انشاء اس خط کے طول کی [illegible] معاف فرمائیے [illegible] رنگ میں [illegible] سبب بتایا ہے۔ وہ آپ کے پاس [illegible] بھیجیں [illegible] ہو جائے گی۔ قاضی [illegible] والسلام

مخلص، ذاکر حسین

(۱۳)

BIHAR GOVERNORS CAMP

پٹنہ ۵ر دسمبر ۱۹۶۱ء

مکرمی داؤد صاحب! تسلیم

[illegible] نامہ [illegible] فرمائی کا شکریہ

[illegible] تہذیب اور درد کے رسائل بھی ملے۔ اچھی حالت میں ہیں۔ بہت شکریہ [illegible]

سنادے۔ چک معروف ہے۔ آپ بھی بھیج دیں۔ ماماں صاحب کا ایک خط آیا تھا جس میں انہوں نے یقین دلایا ہے کہ کاتب صرف آپ کی کتاب لکھ رہا ہے، کوئی دوسری کتاب نہیں لکھوائی جا رہی ہے۔ مگر یہ غالباً آپ کے ڈر سے تھا۔ خیر دعا کرتے رہئے اور اپنا کام کرائیے۔ نسے حرف ہونے دیجئے کہ غفلت کی۔ اتنا ڈرائیے کہ سہم جائیں۔

"تحقیق" خاصی وزنی چیز ہے۔ باوجود اختصار، سرورق بہت اچھا چھپا ہے، مگر متن اچھا نہیں ہے۔ لیکن فی الجملہ چیز اچھی ہے۔

صفیہ اور ان کا بچہ دونوں خیریت سے ہیں۔ صفیہ سلام عرض کرتی ہیں، بچہ ابھی یہ کام نہیں کر سکتا!

مخلص
ذاکر حسین

(۱۴)

پٹنہ
۲۰ دسمبر ۶۱ء

مجی قاضی صاحب۔ تسلیم

والا نامہ ملا۔ یاد فرمائی کا شکریہ۔ ... خط کے جواب کو واپس ہو گئے [illegible] ... پہنچ گئیں۔ سعدیوں کو ... اور جلسے کا ... بھٹناگر صاحب کو ... ہوئے ... کے ... برسر ... مجھے صفیہ کو ... کر ... اس وقت تک تو ... کے ساتھ ساتھ ... ابھی کچھ ... ہے ... تو ... بھی ... صفیہ ... [illegible]

... سلام۔

مخلص۔ ذاکر حسین

صفیہ آپ کی شفقت کا دل سے شکریہ ادا کرتی ہیں۔ اور ... کی ... صاحبزادی رابعہ کو بھی مراد ہے کہ میرا شکریہ بھی لکھ دو۔ انہیں ... سے نیاز حاصل ہے!

ذاکر حسین

(۱۵)

[illegible] حاتم [illegible]
[illegible] مجھ [illegible]
[illegible] ہر شخص [illegible]
اللہ کے خیال [illegible] کرتا ہوں۔

[illegible] ۔۔۔ [illegible]
[illegible] ۔۔۔ [illegible]
[illegible] ۔۔۔ دشت پہ ہو گیا گمان [illegible]

[illegible] شام [illegible] ۔۔۔ [illegible]
[illegible] کی ۔۔۔۔۔۔۔۔

[illegible]

[illegible]
[illegible] دیکھوں گا کبھی [illegible]

[illegible] حال [illegible] ۔۔۔ [illegible] حال [illegible]
[illegible] ۔۔۔ [illegible]
[illegible] اگر [illegible] ۔۔۔ [illegible] حال خویش
کیا کہوں گا [illegible] ۔۔۔ [illegible]
ہے [illegible] رقص [illegible] ۔۔۔ ہر اک محبوب [illegible] رقص

نقل جب ... تم پونہ ہے

(کا حدیث مجلے) ... ... کی دستاویز۔

منتخبہ۔ مشکلات اردو تاریخ منظور۔

حدیث طول ہو گیا۔ ... فرمائیں۔

ذاکر۔ حسین

(۱۶)

BIHAR GOVERNORS CAMP

Patna Jan 9, 1962

My dear Qazi Saheb,

Ever so many thanks for your kind greetings for the New Year which I most heartily reciprocate.

With kind regards sincerely Yours

Zakir Husain

Qazi Abdul Wadood
[illegible] Tarraqqi-i-Urdu
Patna-4.

(۱۷)

VICE-PRESIDENT
INDIA
NEW DELHI

[illegible] ۱۹۶۲ء

عزیزم سعید صاحب۔ [illegible] آپ کا خط ملا۔

میں ایک طویل سفر پر تھا۔ ابھی دو تین دن ہوئے واپس آیا ہوں۔

[illegible] آپ کا خط [illegible] تار بھی۔ بس اس میں [illegible] کا اطلاع ہونے سے میں ٹھیک ہے کہ ہیں [illegible] ہو سکا۔ مجھے وہ [illegible] ہوتا۔ ممکن ہے آپ ہی کا تار [illegible] ہو [illegible] میں [illegible] مجھے [illegible] نہیں۔ میں نے سنا ہے کہ آپ پر کیا [illegible] کے [illegible] ہے [illegible] آپ سے بچے [illegible] آنکھ [illegible] میرا نام [illegible] واپس [illegible] بچے [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] واپس آؤں گا۔

[illegible] کے متعلق [illegible] دل سے مجھے کوئی [illegible] تصویروں کی بڑی [illegible] ہے۔ [illegible] اور [illegible] لوگوں [illegible] ایک ایسی جگہ ہے [illegible] کوشش سے [illegible] کی [illegible] بہتر [illegible] ہو۔ اگر آپ کے [illegible] میں سے [illegible] حاصل کر لیں اور اپنے ساتھ لیتے آئیں [illegible] ہو [illegible] تصویریں [illegible] ہوں [illegible] اس [illegible] میرے [illegible] ہے [illegible] ان کو [illegible]۔ اگر آپ کسی وجہ سے ان [illegible] تو ان کا پتا مجھے بتا دیں۔

بہت خوش ہوں کہ [illegible] کام [illegible] صاحب [illegible] میں [illegible] سے [illegible] ہوں [illegible] آپ سے ملاقات کا منتظر ہوں گا۔
[illegible] صاحب سے سلام کہہ دیجیے گا۔ والسلام

ذاکر حسین

آموں کا ٹوکرا پارسل بھی پہنچ گیا، اور آم بہت ہی اچھی حالت میں آئے۔ بہت بہت شکریہ۔ کتاب ملنے کو معصوموں کی گئی ہے، ایک حریف مرتب ہے تو دی ہی۔

ذاکر حسین

جناب قاضی محمد سعید صاحب
محلہ دریاپور۔ پٹنہ۔۴ (بہار)

(١٨)

VICE - PRESIDENT
INDIA
NEW - DELHI. ۱۳ اگست ۶۴

محب مکرم! تسلیم

آپ کا عنایت نامہ ملا اور تحفہ بھی ملا اور آموں کا پارسل صحیح حالت میں بخیریت پہنچ گیا ہے۔ اس بار وہ آم بہت کم ہوئے اور اس وجہ سے وہ بہت ہی خوش ہوئیں تو اس لئے ان آموں کو برادرانہ تحفے سے خوش ہو ہو کر کھائے اور آپ کا ذکر کرتا رہا۔ میں بھی ساتھ اپنے قدیم دوست کے اس نیک کام میں شریک رہا۔

امید ہے کہ آپ بخیریت ہوں گے۔ افسوس ہے کہ وہ موجود آپ کی دوستی کی خوبیاں رہ گئیں۔ مگر لیے وقت انتظار ہے۔ مرکب کے ساتھ وہ کیا ہے۔ ہر حال بہت سی اور کتابوں سے زیادہ صحیح ہوگی۔ اب دوسری حد کا کام شروع کر دیں گے۔ ۱۹۶۹ء قریب آتا جاتا ہے۔ تو کل بعد کم آتی ہے۔ اکیلے رات میں کام کرتا ہوں۔ خط کوئی دو بجے صبح لکھا تھا۔ خط بھیجنے سے پہلے یہ اطلاع کہ حکومت نے آپ کو Certificate of honour دیا ہے مبارک ہو۔ حق بحق دار رسید۔ خدا کرے آپ بخیر ہوں۔

والسلام

مخلص ذاکر حسین

(۱۹)

VICE PRESIDENT
INDIA
NEW DELHI
مورخہ ۶ مارچ ۱۹۶۵ء

محب مکرم ، تسلیم

گرامی نامہ ملا۔ یاد فرمائی کا شکریہ!

عبارت میں کیا کہوں آپ ہی بدل دیجیے۔ اگر مجھ سے ... تو ضرور مدد کروں گا۔ ترجمہ کر کے واپس دوں گا۔ یہ پڑھ کر کہ جب آپ نے مجھ سے لکھنے کے لیے فرمایا تھا اور اس وقت بھی میں نے یہی عرض کیا تھا۔

ماریشس جا رہا ہوں۔ آپ کی آنے کی اطلاعات ہیں۔

والسلام

مخلص ذاکر حسین

(۲۰)

VICE PRESIDENT
INDIA
مورخہ ۱۲ اپریل ۱۹۶۵ء

برادرم عبدالودود صاحب! سلام علیکم

کل جسٹس خلیل سے ملاقات ہوئی تو ... بیان کے انتقال کی حسرت ناک خبر انہوں نے سنائی۔ اس کے بعد آپ کا خط ملا جس سے اس کی تصدیق ہو گئی۔ کیا کہوں کس قدر رنج ہوا۔ عزیز ... کی موت ہر حال میں سب ... کو دکھ دیتی ہے۔ مگر جوانی کی موت اور ایسے ہونہار نوجوان کی موت غضب ہے۔ میں اس واقعہ کی قطعیت کے سامنے سوائے صبر کے کیا چارہ ہے۔ خدا مرحوم کو اپنے جوار رحمت میں جگہ دے اور آپ سب کو صبر کی توفیق عطا فرمائے۔

مخلص

ذاکر حسین

یہ خط ... کے لیے بھی منظور ہے۔ انہیں دکھا دیجیے۔

RASHTRAPATI BHAVAN
NEW DELHI 4

[illegible] ۱۴ اکتوبر ۱۹۶۷ء

محب مکرم - تسلیم

[illegible] کا نوازش نامہ [illegible] معاف کیجیے گا کہ [illegible] میں دیر ہوئی [illegible] کا حال معلوم نہیں کس مرحلہ پر ہے - میں بجز اس [illegible] کے [illegible] ایسی ہو گئی ہے [illegible] انگریزی مصنف کے

Which I cannot leave & pass by!

ڈاکٹر [illegible] نے دو تصویروں کے پرنٹ بھیجے [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خود ہی [illegible] کا خط لکھ دوں گا۔

[illegible] میں ہے اور [illegible] [illegible] میں مبتلا ہے [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دل پر بہت کچھ [illegible] ہوگی۔

[illegible] [illegible]

مخلص ذاکر حسین

ڈاکٹر یوسف حسین خاں

(۱)

Pro-Vice-Chancellor's Office

MUSLIM UNIVERSITY

ALIGARH

[illegible]

[illegible]

[illegible]

یوسف حسین خاں

(۲)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

متعلق وائس چانسلر صاحب سے انہوں نے ابھی کوئی گفتگو نہیں کی ہے۔

بجز ان چار اہل قلم میں ان میں سے جن سے آپ مناسب سمجھیں "فکر و دلنواز" کے لئے مضمون کی فرمائش کر دیجیے یا مجھے مطلع فرمائیے کہ اس ضمن میں کن کن اصحاب کو لکھوں۔

امید ہے کہ مزاج بخیر ہوگا۔ فقط

یوسف حسین خاں

(۳)

مکرمی تسلیم

فارسی پبلیکیشن کمیٹی کی تاریخ ۲۲ ستمبر مقرر ہوئی جس میں آپ کی شرکت بہت ضروری ہے۔

درد کی "علم الکتاب" پر جو آپ مضمون لکھ رہے ہیں وہ جب تیار ہو جائے تو نظر ثانی کے لئے ضرور بھیج دیجیے گا۔ اگر مضمون بڑا ہو جائے تو بھی کوئی مضائقہ نہیں۔ اسے کئی نمبروں میں شائع کیا جا سکتا ہے۔

"علم الکتاب" [illegible] میں نے پڑھی تھی [illegible] اس میں تصوف کے متعلق جو تصورات پیش کئے گئے ہیں [illegible] میرے خیال میں اس کتاب کا مقام بہت اونچا ہے۔ اس کے مباحث مجھے [illegible] بہت دلچسپ [illegible] درد کی عربی اور فارسی دونوں زبانوں میں قادر الکلامی بھی قابل داد ہے۔

خواجہ درد کے والد کی کتاب "نالۂ عندلیب" بھی پڑھنے کے لائق ہے۔ اس کا انداز بیان تمثیلی ہے اور تصوف کے نکات کو درحقیقت دلچسپ پیرائے میں بیان کیا ہے۔ درد نے بھی اپنے والد کے خیالات سے خوشہ چینی کی ہے۔

[illegible] کا مضمون مل گیا ہے جس کے متعلق میں آپ کو مطلع کر چکا ہوں۔

امید ہے کہ مزاج بخیر ہوگا

مخلص

یوسف حسین خاں

(۴)

۲۰ اگست ۱۹۷۰

مجی مزاج گرامی

پروفیسر فاروقی کے متعلق جو سیلکشن کمیٹی کا جلسہ مقرر ہوا تھا وہ ملتوی کر دیا گیا ہے اس لئے کہ ڈاکٹر نظام الدین ماسکو کی اورینٹل کانفرنس میں شرکت کے لئے گئے ہوئے ہیں۔ اس لئے وہ نہیں آ سکیں گے۔ دوسرے ڈاکٹر ہادی حسن صاحب کو اس ماہ کے آخر میں کسی کام سے حیدرآباد جانا ہے۔ اب جو تاریخ مقرر ہوگی اس کی اطلاع آپ کو کافی عرصہ قبل دی جائے گی تاکہ آپ کی شرکت آسانی سے ہو سکے۔ میں سمجھتا ہوں کہ آئندہ تاریخ ستمبر کے دوسرے یا تیسرے ہفتے میں مقرر ہوگی۔ اس کمیٹی میں آپ کی شرکت ضروری ہے۔

دیوان غالب پر آپ کے مضمون کا انتظار رہے گا۔ اس نمبر کے تمام مضامین پریس کو چند روز ہوئے بھیجے جا چکے ہیں۔ اس کے بعد والے نمبر میں یہ مضمون شامل کیا جائے گا۔

آئندہ جب آپ سیلکشن کمیٹی میں شرکت کے لئے علی گڑھ تشریف لائیں گے تو انشاء اللہ ملاقات ہوگی۔

فقط یوسف حسین خان

(۵)

۹ مولانا آزاد روڈ۔ نئی دہلی

۱۵ جون ۱۹۷۰

مجی ودود صاحب تسلیم

آپ کا خط پہنچا [illegible] صاحب کی طبیعت اب ٹھیک ہے۔ بیچ میں ذکام محسوس کر رہے تھے اس لئے ڈاکٹروں نے چند روز مکمل آرام لینے کا مشورہ دیا۔ بحمداللہ اب طبیعت ٹھیک ہے۔ شام سویرے ٹہلتے ہیں اور باہر آ جا رہے ہیں۔ ان کا قصد افغانستان جانے کا ہے۔

آپ نے [illegible] کے متعلق نوٹ بھیجنے کا وعدہ کیا تھا اب وہ نوٹ ابھی ملا بھیج دیجئے ایک روز اس کی نسبت ذکر فرما رہے تھے۔

تذکرہ ذاکر کے لئے اگر آپ مناسب سمجھیں تو تحفۂ ہند پر مضمون دے ←

موضوع کے اعتبار سے مفید ہوگا۔ بہرحال مضمون کے موضوع کا انتخاب آپ پر ہے۔

آپ کی کتاب کے نام کے متعلق اس روز کافی گفتگو ہوئی۔ جو فیصلہ ہوا وہ ابھی تک دل میں کھٹکتا ہے۔ میں اس کے متعلق سوچتا رہا ہوں۔ ایک تجویز یہ ہے:

"سلسلۂ اشاعت تصانیف غالب"

بہ یادگار تقریب صد سالہ"

"تقریب" کا لفظ پیدائش اور موت دونوں پر حاوی ہے۔ آپ کا کیا خیال ہے؟ سلسلہ کا لفظ حیدرآباد میں اس قسم کی اشاعت کے لئے مستعمل رہا ہے۔ مثلاً سلسلۂ آصفیہ، سلسلۂ نصاب تعلیمی جامعہ عثمانیہ، دارالترجمہ کی مطبوعات کے سرورق پر لکھا ہوتا تھا)

اگر یہ پسند نہ ہو تو مالک رام صاحب کو لکھ دیجئے گا۔ ورنہ رہنے دیجئے۔

امید کہ آپ بخیر ہوں گے۔

فقط

یوسف حسین خاں

(۶)

۴ ستمبر ۶۹ء

محمود صاحب۔ تسلیم

پچھلے دنوں غالب پر متعدد کتابیں پڑھنے کا اتفاق ہوا۔ چند سوال ذہن میں پیدا ہوئے جن کے جواب آپ ہی سے ملیں گے۔ اس لئے تکلیف دیتا ہوں۔

(۱) غالب شاعر علی وجہ کے ... میں ... ۱۸۵۰ء ... بیگ خاں کی نسبت لکھا ہے کہ وہ شاہ عالم کے عہد میں ہندوستان آئے تھے۔ اس کے ساتھ یہ لکھا ہے کہ پہلے لاہور میں معین الملک کی ملازمت میں کچھ عرصہ رہنے کے بعد دہلی آئے۔ معین الملک کا انتقال ۱۷۵۳ء میں ہو گیا تھا۔ اور شاہ عالم کی حکومت کا آغاز ۱۷۵۹ء میں ہوا۔ یہ غلطی قیاس و ملک رائے بتاتی ہے۔ سوال یہ ہے اپنے سے اتنے قریبی زمانے کے متعلق جب وہ تاریخی صحت کا خیال نہیں رکھ سکتے تو سیکڑوں ہزاروں سال پہلے کی تاریخ کے لئے کچھ خیالی پیکر بنائے ہوں گے فرضی ... ہو

حاجی خواجہ خواجو جی کے خاندان کے ایک [illegible] ان معنوں میں [illegible] نے [illegible] حاجی
اور غالب کے اجداد کا سلسلہ کچھ پیڑھیوں اوپر جا کر مل جاتا تھا۔ خواجہ حاجی چونکہ [illegible]
میں شریک کر دئے گئے تھے اس لئے ان سے ایسے حقوق ملیں اور دوسری [illegible] کہا
شروع کیا کہ ان کے خاندان کے [illegible] لازم ہے۔ لیکن کچھ دنوں کے بعد جب جنگ کا قصہ ختم ہو گیا
اور غالب کو ایک الگ ہی پیشہ مل گیا تو آہستہ آہستہ تلخی سب کم ہوتی گئی۔ چنانچہ خواجہ حاجی کے بیٹے
خواجہ [illegible] کو انہوں نے اپنا بیٹا کہا ہے اور ان کے بیٹے [illegible] کو اپنا شاگرد بنایا۔ اصلاح جو کچھ تعلقے
کی وجہ سے پیدا ہوئی تھی وہ باقی رہی۔ قوقان بیگ کا تعلق ترسم خان اور رستم خان دونوں [illegible]
قندھار سے تھے۔ وہاں سے یہ دونوں لاہور آئے یا ان کے اولاد لاہور آئے۔ ممکن ہے کہ غالب
[illegible] قوقان بیگ کا توران سے [illegible] خاندان کے [illegible] حاجی کے خاندان [illegible]
[illegible] اور کئی پیڑھیوں میں جا کر یہ نسب ملتا ہے۔ قندھار کی آبادی [illegible] اور
افغان دونوں [illegible] ہیں۔ ترکی اور فارسی دونوں کا عنصر ہے۔ شادی بیاہ بھی ان میں ہوتا
ہوگا۔ زیادہ تر ترک [illegible] اور افغان [illegible] میں شادی کرتے ہوں گے۔ اگر ان روایات
کو مان لیا جائے تو قوقان بیگ اور رستم بیگ کے خاندان میں بھی آریائی خون کا امکان ہے
[illegible] ہے جو ممکن ہے [illegible] ہوں یہ ہو سکتا ہے کہ اصل میں
خاندان [illegible] ہو لیکن [illegible] قندھار میں بس گیا ہو۔ قندھار [illegible]
[illegible] اور [illegible] دونوں [illegible] حاجی
[illegible]

(۲) غالب [illegible] کیا کہ [illegible] کے متعلق [illegible]
[illegible]
[illegible] ترسم خان اور رستم خان دونوں [illegible]
[illegible]
[illegible] ہوں

[illegible] غالب [illegible] کی حیثیت سے [illegible]

آپ نے تحقیق کا جو ادارہ قائم کیا ہے وہ ایک کام کی چیز ہے۔ چاہتا تھا کہ آپ کو ایک مضمون غالب کی زبان
کے تعارف کا بھیجوں۔ مگر بے عنوان ہے جو اس سے متعلق ہے۔ اگر یہ مضمون آپ مجھے بھیج دیں تو ممنون ہوں گا
پڑھنے کے بعد ضرور واپس کر دوں گا۔

امید ہے کہ آپ بخیریت ہوں گے

مخلص
یوسف حسین خاں

(۷)

۹ جنوری

مکرمی تسلیم

آپ کے خط کا شکریہ۔ آپ کے ادارے کی طرف سے ... صاحب ڈاکٹر
صاحب سے ملاقات ہوئی تھی۔ ... اگر آپ بھی
انہیں لکھ دیں۔ وہ عنقریب یہاں تشریف لانے والے ہیں وہاں گفتگو کر لیجئے گا

ڈاکٹر تارا چند صاحب کا اصرار تھا کہ انڈو ایرانین سوسائٹی کا سکریٹری ہو جاؤں۔ میں
نے چند دن کے لئے ... دلی میں رہوں یا نہ رہوں۔ جب ان کا اصرار زیادہ ہوا تو میں نے
سکریٹری ہونا منظور کر لیا ہے۔ مسٹر ... سنگھ جائنٹ سکریٹری اور مسٹر ... منتخب ہوئے ہیں
... امید ہے کہ ان کی مدد سے کام ٹھیک چلے گا ... سوسائٹی ... کی
... کا قصد ہے ...

سید صاحب نے ٹیلیفون کیا تھا کہ وہ تشریف لا رہے ہیں ...
معلوم کیوں ... مجلس ... امید ہے
آپ بخیریت ہوں گے۔

مخلص

یوسف حسین خاں

Indian Institute of Advanced Study
Simla 5 ...

(۸)

۲۶ اپریل

مکرمی قاضی صاحب آداب و تسلیمات

میں ... ارسال کر رہا ہوں۔ ... آپ ... کے مطابق ...

اس وقت سے لے کر پنجشنبہ تک رقم منتقل ہو گئی تھی۔ دو بجے بھیج دی۔ ۱۰۰۰ کے [illegible]

بینک سے متعدد مرتبہ پوچھ گچھ کی گئی کیونکہ زیدی صاحب کے پاس سے چیک واپس کرنے کے لیے بھیجا [illegible] زیدی صاحب [illegible]

بینک کی طرف سے [illegible] اس وقت چیک کیوں نہیں بھیجا گیا اس کا کوئی جواب نہیں

جب [illegible] صاحب نیم ایڈیٹر کی حیثیت سے یہاں تشریف لائے تھے۔ انہوں نے کتابت کا کام شروع کرا دیا ہے اور کمپوزنگ بھی شروع کرا دیا ہوگا۔ میں نے انہیں اپنے پاس سے ایک ہزار دو سو روپے دیے ہیں تاکہ کام میں رکاوٹ نہ پیدا ہو۔ انہیں [illegible] نہیں لگا۔ کل فخرالدین علی احمد صاحب کو میں نے لکھا ہے کہ چونکہ نیم ایڈیٹر کو ابھی تک چیک نہیں ملا اس لیے مجبوراً اپنے پاس سے ایک ہزار دو سو روپے دیا ہے۔ میں نے انہیں یہ بھی لکھا ہے کہ براہ کرم [illegible] صاحب یا زیدی صاحب وہ رقم اور چیک مجھے [illegible] کے پتہ پر [illegible] رجسٹری بھیجا جائے گزشتہ نمبر خط نہیں پہنچا تھا۔ لیکن ایسا نہ ہو کہ یہ خط بھی نہ پہنچے۔ اس لیے آپ بھی انہیں اس بابت لکھ دیں تو اچھا ہے۔

پہلے معلوم تھا کہ جلسہ کا اجلاس اپریل کے آخر میں ہوگا لیکن مجھے یہ مشکل معلوم ہوتا ہے۔ جب کبھی بھی ہو مجھے آپ ضرور مطلع فرما دیجئے تاکہ میں دہلی پہنچ جاؤں۔ [illegible] جلسہ عام [illegible] مجھے دہلی سے روانہ ہونے کے ایک دن قبل ہی [illegible] فخرالدین علی احمد صاحب کی یاد دہانی کے بعد [illegible] شاید [illegible] کارکردگی کی جو حالت ہے وہ ظاہر ہے۔ اسی لیے مجھے اندیشہ ہے کہ جلسہ عام کی جو تاریخ مقرر ہوگی اس کی بھی شاید مجھے براہ راست اطلاع نہ پہنچے اس لیے احتیاطاً [illegible] آپ مجھے مطلع فرما دیں۔

یہاں موسم اب بھی خوشگوار ہے۔ رات میں لحاف اوڑھنے کی ضرورت ہوتی ہے۔ دن میں خوب دھوپ رہتی ہے [illegible] سردی کم ہوتی ہے

امید ہے کہ آپ بخیر ہوں گے۔

فقط نیازمند

یوسف حسین خاں

F.C. Nizamuddin West
New Delhi-13

(٩)

مکرمی قاضی صاحب تسلیم ۲۰ ۔ ۔ ۱۹۷

[illegible] آج ... سے شروع ... میں
[illegible] ... ہماری ... صاحب کا ... سامان
[illegible] ... ہو گئی ...

[illegible] ... صاحب ...
... صاحب کچھ دنوں کے ... تفصیلی گفتگو کروں گا ... صاحب ... جب
[illegible] ... ہو جائیں
[illegible] ... اس وقت ... صاحب ... وہاں سے
[illegible] ... صاحب سے مشورہ کر
[illegible] ... کے ہوں
[illegible] ... شروع ... تاکہ حکومت
[illegible] ... قتل
[illegible] ... ہیں
[illegible] ... صاحب ... ڈاکٹر صاحب
[illegible] ... میں
... تفصیلی گفتگو ہوئی تو میں ان سب باتوں کی ... کروں گا۔ میں ... صاحب ...
[illegible] ... صاحب ... حضرت
[illegible] ... حکیم صاحب ... ساتھ ... کی دعوت ... ہے۔
[illegible] ... گفتگو ہوئی تو آپ کو مطلع کر دوں گا

یہاں آج کل گرمی ... ہے ... کی ... حق

[illegible] ... کچھ ... ہوئی تھی

آپ نے جس اردو اخبار کا ذکر کیا ہے، اس نے ہر قول اور وقت میری علالت کی خبر شائع کر دی۔ معلوم اس خبر کا مأخذ کیا تھا؟ بہرحال۔ یہ ہمارے ملک کے اخباروں کا کام ہے کہ اس قسم کی خبریں شائع ہوتی ہیں۔ اب میں اس کی تردید کی حاجت نہیں سمجھتا۔ آپ بیگم صاحبہ کا شکریہ ادا کر دیں [illegible] آپ نے اپنے صاحبزادے کی [illegible] کے متعلق کچھ نہیں لکھا۔ امید ہے کہ وہ اچھے ہوں گے۔ فقط

مخلص

یوسف حسین خاں

(۱۰)

۲۸ مارچ ۱۹۷۱

مکرمی قاضی صاحب آداب و تسلیمات

آج آپ کا خط ملا، یہ معلوم کر کے بڑی مسرت ہوئی کہ اب آپ بفضل الٰہی بالکل صحت مند ہیں لیکن ابھی احتیاط کی ضرورت ہے۔ خاص کر جب تک [illegible] کسی کام کا بار نہ پڑے [illegible] آپ سے پورا اتفاق ہے کہ [illegible] صاحب [illegible] کے دو ہفتے [illegible] تیسرے ہفتے میں انسٹی ٹیوٹ کا اجلاس [illegible] اس کے بعد دہلی کا موسم [illegible] تکلیف دہ ہو جاتا ہے اور آپ کا جسم [illegible] تشریف [illegible] کسی طرح بھی مناسب نہ ہوگا۔ [illegible] آپ بھی [illegible] آپ [illegible] تحریر [illegible] آپ کو دہلی تشریف لانے میں زحمت ہوگی۔ اپریل کے بعد [illegible] دوسرے [illegible] کا موسم آج کل خوشگوار ہے۔ [illegible] کے علاوہ [illegible] سے [illegible] شروع ہو جائے گا۔

میں نے ڈاکٹر [illegible] انسٹی ٹیوٹ سے [illegible] کہ [illegible] دہلی میں کام کر [illegible] رہ سکے تو میں ان شاء اللہ شریک ہو جاؤں گا

اچھا خدا حافظ۔ فقط

مخلص

یوسف حسین خاں

(۱۱)

۱۱ر جون ۱۹۷۰

محترمی قاضی صاحب آداب و تسلیمات

خط ملا۔ میری طبیعت اب پہلے سے بہتر ہے۔ صبح اور شام تھوڑی دیر ٹہلنے بھی جاتا ہوں پہلا ۱۰ دن تھا جس سے ڈاکٹر صاحب کی اجازت مل گئی ہے۔ ورنہ مہینوں بستر سے مجھے کا جانا نہ ہوتی۔ میری عام صحت خدا کا شکر ہے ٹھیک ہے۔ وزن کم ہونے کی وجہ سے جو کمزوری کا احساس سا محسوس ہوتی تھی وہ بھی اب نہیں ہے۔

آپ میڈل پر ضرور کچھ لکھیں۔ میرا مطالعہ بہت سرسری ہے۔ دیوان میڈل جب شائع ہوئے پڑھنے کو ملا تھا لیکن علالت کی وجہ سے نہ پڑھ سکا۔ صرف ایک صفحہ پڑھنے کی کوشش کی تو کوئی دکاوٹ در پیش ہوئی آئندہ میرا ارادہ ہے کہ میڈل کا دیوان مطالعہ پڑھوں گا۔ صاحب کا دیوان بھی میں نے یونیورسٹی تقابلی مرکز سے منگایا ہے۔ کبھی کبھی اسے بھی پڑھتا ہوں۔

اسد صاحب کی کارروائی رسوم کیوں التوا میں ہے؟ آپ شاید واقف ہوں گے۔

آپ بھی اپنی صحت کا پورا خیال رکھیں۔ اس عمر میں بڑی احتیاط درکار ہے۔ اچھا

خدا حافظ فقط

نیاز کیش

یوسف حسین خاں

(۱۲)

۲۵ر جون ۷۰ء

محترمی قاضی صاحب آداب عرض کرتا ہوں

آپ کی خیریت حال عباس عباسی صاحب سے معلوم ہوتی رہی ہے۔ خدا کا شکر ہے آپ کی طبیعت ٹھیک ہے۔

میں بھی اچھا ہوں پہلے کی وجہ صحت اب بحال ہو گئی ہے۔ ایک آنکھ کے آپریشن کے بعد نظر بھی ٹھیک ہو گئی ہے۔ پڑھنے میں سہولت ہو گئی ہے۔ اب میں معمول کے مطابق روزانہ تین میل کا چکر لگا لیتا ہوں۔ کسی قسم کا نقصان محسوس نہیں ہوتا۔

آج کل روح اقبال پر پھر ایک نظر ڈال رہا ہوں۔ اس کتاب کے چوتھے ایڈیشن

کل چھپے ہیں۔ [illegible] دو ہی سال سے بازار میں نہیں تھی۔ غالب اکیڈمی کا ساتواں ایڈیشن شائع کر رہی ہے جو صاف ایڈیشن ہوگا۔ امید ہے [illegible] صدی کی تقریبات سے قبل نکل جائے گا۔ [illegible] ایڈیشن کے لئے [illegible] تقریبات کی [illegible] آج کل [illegible] تیاری میں ہے ہم بھی امید ہے [illegible] انتظام کریں گے۔

اچھا خدا حافظ۔

نیازکیش

یوسف حسین خاں

(۱۴)

[illegible] جنوری [illegible]

محترمی قاضی صاحب، آداب

آپ کا خط ملا۔ میں نے مہر زیدی صاحب کو [illegible] ٹیلیفون پر تاکید کر دی ہے کہ آپ سے جو [illegible] فوراً بھیجے جائیں۔ چنانچہ [illegible] بھجوا دیں گے۔

[illegible] کانفرنس سے [illegible] کی صحت اب تک ٹھیک نہیں ہوئی ہے۔ اس حالت میں ایک [illegible] سب [illegible] اب دو صورتیں ہیں۔ یا تو [illegible] کمیٹی کا جلسہ [illegible] رکھا جائے تاکہ مقامی حضرات شرکت کر سکیں۔ یا اگر آپ چاہیں تو [illegible] رکھیں۔ [illegible] صاحب کی شرکت کا ذکر ہے وہ میں نے مہر زیدی صاحب سے ٹیلیفون پر پڑھوا [illegible] کمیٹی کا جلسہ ہو [illegible] کی شرکت ہو [illegible] دوسرے [illegible] کمیٹی کا جلسہ ہو [illegible] شرکت کی دعوت دی جائے۔ دونوں [illegible] شرکت کی دعوت دینا [illegible] جلسہ ہوگا۔ اس سے پہلے [illegible] دعوت [illegible] جو جلسہ منعقد کیا جائے [illegible] احساس [illegible] مہر زیدی صاحب سے [illegible] ٹیلیفون کروا دیا تھا کہ معلوم کروں کہ آیا وہ

جاسکیں گے۔ جنہیں تو انہوں نے بھی معذرت ظاہر کی تھی۔ اب اگر آپ یہ فیصلہ کرتے ہیں کہ مجوزہ
کہ وسط اپریل میں پٹنہ میں اجلاس کیا جائے تو بس یہ صورت ممکن ہے کہ تاریخ مقرر کر کے سب
ممبران کو اس کی اطلاع دے دی جائے ۔ صاحب کو بھی اطلاع دے دی جائے ۔ جو
جا سکے وہ چلا جائے، جو نہ جا سکے وہ نہ جائے۔ آپ براہ کرم مطلع فرمائیے آپ اس حالت میں
کیا فیصلہ کرتے ہیں تاکہ اس پر عمل کیا جائے گا۔ بہرحال آپ کی صحت کا لحاظ مقدم ہے۔ یہاں ابھی سخت
سردی کا زور ہی ہے لیکن تھوڑا سا فرق دو ہی چار دن میں ہو جائے گا

قدسیہ سعادت بیگم صاحبہ سے جو گفتگو ہوئی تھی وہ میں نے آپ کو اسی وقت لکھ دی تھی۔
اس کے بعد کوئی گفتگو نہیں ہوئی۔ مسٹر ورما صاحب سے یہ ضرور معلوم ہوا کہ وہ قصبہ ساتھ
کا جشن ہم مجبوری کو غالب انسٹی ٹیوٹ میں کر رہی ہیں اس میں کیا طے ہوا ہے میں کچھ نہیں کہہ سکتا
عید کے دو دن صاحب سے ملاقات ہوئی بیگم صاحبہ مختلف معاملات سے گفتگو کر
رہی تھیں۔ صاف صاف نہیں بتلایا کہ چونکہ غالب انسٹی ٹیوٹ بن گئی ہے اس لیے ضرورت نہیں پڑے گا اس لیے
ان کا صاحب کو اعتراض نہیں ہونا چاہیے۔ ڈاکٹر محمد حسن کا میں ذکر آیا تھا کہ بیٹھ گئے
ہیں۔ لیکن یہ آخری بات انہوں نے غلط کہا ان کا مطلب شاید یہ تھا کہ جانے والے ہیں
یہ بھی کہ شاید وہ چلے گئے ہیں ۔ غالب اکیڈمی کے ایک جلسے میں گزشتہ ہفتے ڈاکٹر محمد حسن
سے ملاقات ہوئی انہوں نے پوچھا کہ آپ پٹنہ ہو آئے تو انہوں نے بتایا کہ نہیں میں جانے والا تھا لیکن
نہیں جا سکا۔ اب عنقریب جاؤں گا۔ ممکن ہے ڈائرکٹر کے متعلق وہ بھی آپ سے تفصیلی گفتگو کریں
لیکن اس کا علم نہیں کہ آیا بیگم صاحبہ نے ان کے ذریعے سے اس ضمن میں کوئی پیغام بھیجا یا نہیں۔

نورالدین مرحوم کے انتقال کا ہم سب کو بڑا افسوس ہے۔ آپ کو یقیناً بڑا صدمہ ہوا ہوگا۔
وہ آپ کے بہت قدیم دوست تھے۔ آدمی بڑی خوبیوں کے تھے۔

ڈائرکٹر شپ کے متعلق آپ جو بھی فیصلہ فرمائیں اس سے مطلع فرمائیے تاکہ آپ کے
حسب منشا عمل کیا جائے۔ اگر میری صحت ٹھیک ہوتی تو میں ضرور پٹنہ آتا۔ لیکن موجودہ حالات
میں اس کا امکان نظر نہیں آتا۔ یوسف سلیم صاحب کے متعلق میں نہیں کہہ سکتا۔ مودی
صاحب کی شرکت بھی مشکوک ہے۔

خدا کرے اب آپ بصحت ہوں   مخلص نیازمند

یوسف حسین خاں

(۱۴)

یکم اپریل ۶۰ء

محترمی قاضی صاحب، آداب

آپ کا خط ابھی [illegible] دیر سے ملا۔ میں نے لائبریری کمیٹی کا جلسہ اپنے مکان پر رکھا تھا تاکہ جو کتابیں جمع ہوگئی ہیں ان کے متعلق فیصلہ ہو جائے۔ یہ کتابیں تین چار مہینوں سے پڑی ہوئی تھیں، اور ان سے لوگ استفادہ کرنے سے رہے تھے۔ کمیٹی میں حمیدہ سلطان تشریف لائی تھیں لیکن یونس سلیم نہیں آئے حالانکہ ان سے دریافت کر کے وقت اور دن مقرر کیا تھا۔ بہرحال یہ کتابیں قبول [illegible] کر لی گئیں۔ اب یہ معاملہ صاف ہے۔

میرا استعفیٰ ٹرسٹ کے سامنے پیش کیا جائے گا۔ میری صحت اب ٹھیک ہے۔ اگر ٹرسٹ متفقہ طور پر فیصلہ کریں کہ مجھے استعفا واپس لے لینا چاہئے تو میں ان کی مرضی کے مطابق کروں گا لیکن یہ بات واضح کر دوں کہ مجھے ہائی بلڈ پریشر کی شکایت ہے جس کی وجہ سے [illegible] میں کچھ [illegible] کر سکا۔ اس کا امکان ہے کہ آئندہ بھی یہ صورت پیدا ہو جائے۔ اس لئے کسی دوسرے شخص کو مقرر کر دیں تو اس کا کوئی اندیشہ نہ ہوگا۔

لائبریری کمیٹی [illegible] تاکہ [illegible] میں آسانی ہو سکے۔ [illegible] ہم لوگوں نے کام کیا لیکن مجھے تھکاوٹ بہت محسوس ہوئی۔ بلڈ پریشر بڑھ گیا ہے

آج جلسہ [illegible] آئے تھے [illegible] کہا ہے کہ جلدی [illegible] آپ سے معلوم کر لیں کہ آپ کے لئے کس تاریخ موزوں ہوگی۔ آپ کو تاریخ دے دیں گے۔ ایگزیکیٹو کمیٹی کے لئے [illegible] تاریخ رکھی جا رہی ہے۔ ٹرسٹ کی [illegible] کے لئے اب تک [illegible] ان سے کوئی اطلاع نہیں آئی۔ میں نے [illegible] صاحب سے کہا ہے [illegible] کے [illegible] اسسٹنٹ سے معلوم کریں

مجھے یہ معلوم ہو کر خوشی ہوئی کہ اب آپ کی طبیعت بہتر ہے۔ فقط   مخلص

یوسف حسین خاں

(۱۵)

۲۳ ستمبر ۷۶ء

مکرمی ڈاکٹر بیدار صاحب سلیم

آپ کا خط ملا۔ مجھے افسوس ہے کہ قاضی صاحب علیل ہیں اور آج کل اسپتال میں ہیں۔
دعا کرتا ہوں کہ خدا انھیں جلد صحت یاب کرے۔

میں نے چند ہفتے ہوئے قاضی صاحب سے درخواست کی تھی کہ وہ غالب نامہ کی ادارت قبول فرمالیں۔ چنانچہ انھوں نے میری درخواست مان لی اور لکھا کہ وہ مختلف لوگوں سے غالب پر تحقیقی مضامین لکھوا رہے ہیں۔ ظاہر ہے کہ ان کی رہنمائی میں رسالے کے وقار میں کافی اضافہ ہوگا اور وہ اسے حسب منشا نکال سکیں گے۔

اس عرصہ میں ٹرسٹیز کے جلاس میں جب مختلف ذیلی کمیٹیاں نامزد ہوئیں تو چونکہ ڈاکٹر عبدالحمید جلسے میں موجود نہ تھے کسی نے ان کا نام غالب نامہ کی مجلس مشاورت کی صدارت کے لئے پیش کیا اور وہ اتفاق رائے سے منظور ہوگیا۔ خود ان کی خواہش کو اس میں دخل نہ تھا میں سمجھتا ہوں کہ وہ صدارت سے بخوشی مستعفی ہو جائیں گے۔ ایسی صورت میں میں قاضی صاحب [illegible] ٹرسٹیز سے مشورہ کیا [illegible] وقت ممکن ہے جب قاضی صاحب آپ کے ذریعے سے مجھے مطلع کریں کہ وہ غالب نامہ کی مجلس مشاورت کی صدارت [illegible] کی منظوری کا [illegible] کے لئے میں کوشش کروں گا۔

[illegible] رسالے کی ادارت کا معاملہ [illegible] وہ رسالے کے سیاہ و سفید کے مالک ہوں گے [illegible] کیا جائے گا۔ ان کے [illegible] کی صورت میں کوئی مدیر [illegible] ہوگا۔ میں چاہتا تھا کہ یہ سب استعفے اور مجلس مشاورت کے [illegible] جلسے میں طے ہو جائیں۔ اس وقت مجلس مشاورت میں دو ہی [illegible] ڈاکٹر عبدالحمید [illegible] قاضی صاحب کی رضا۔ ہوگا کہ جیسے ان مجلس مشاورت [illegible] میں سے قاضی صاحب کو کچھ دن ہوئے لکھا تھا [illegible] مجلس مشاورت کی [illegible] وہ مقرر کریں [illegible] بلایا جائے اور یہ سب استعفے اور [illegible] سب [illegible] ہو جائے تو اس کے بعد [illegible] جلسہ بلایا جا سکتا

[illegible] صاحب کو دعوت دینے [illegible] قاضی صاحب کے خط کے متعلق
رسالے [illegible] کی [illegible] اور وہ جو [illegible] میں بھیجی [illegible] کا انتظام
کر دیا گیا ہے [illegible] کا انتظار رہے گا۔ براہ کرم قاضی صاحب سے تذکرہ کرنے کے بعد
مجھے مطلع کیجئے تاکہ [illegible] کارروائی کروں۔

قاضی صاحب [illegible] کی خدمت میں آداب کہئے گا۔ امید ہے کہ جلد وہ [illegible] سے
اپنے وطن [illegible] بخیریت [illegible] مخلص

خیراندیش

یوسف حسین خاں

(۱۶)

مکرمی قاضی صاحب، آداب

مجھے ڈاکٹر عابد [illegible] سے [illegible] آپ کی علالت کا حال معلوم ہوا تھا [illegible]
تفصیل معلوم [illegible] آپ کی صحت کے متعلق بھی دریافت کیا تھا۔ ان کا جواب [illegible] کے
باعث بہت تشویش ہے۔ خدا کرے آپ [illegible] بصحت ہوں۔

پریسیڈنٹ صاحب ایک مہینے کے لئے [illegible] فارس کے عرب ممالک کے دورے
پر تشریف لے گئے ہیں۔ میں سمجھتا ہوں اکتوبر تک ان کی واپسی ہوگی۔

میں نے ڈاکٹر عابد رضا بیدار کو [illegible] کے متعلق بھی آپ کا [illegible]
دریافت کرنے کو لکھا تھا [illegible] آپ کے تندرست ہو جانے کے بعد مجلس [illegible]
کا جلسہ بلایا جائے گا [illegible] مخلص

نیازمند

یوسف حسین خاں

حواشی

مکتوبات بنام قاضی عبدالودود

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مکتوبات [illegible]

مکتوب وارد مندرجہ ذیل ہے:

[illegible]

[illegible]

[illegible] کی نظموں میں ملتی ہیں۔

[illegible]

صاحب سے ترقی کا یہ تصور کہ :

[illegible]

غالب صدی [illegible]

[illegible]

ہی کے ایک شعر سے استفادہ تھا:

(۱۰) [illegible]

(۱۱) [illegible]

• [illegible]

(۱۲) [illegible]

(۱۳) [illegible]

(۱۰) صعت = ذاکر صاحب کی صاحبزادی۔

[illegible]

(۲) [illegible]

• [illegible]

(۱) [illegible] ۱۹۷۰ء

میں خدا بخش لائبریری کے ڈائریکٹر۔

• [illegible]

پر ایک نظم خانی۔

○

ڈاکٹر یوسف حسین خاں [illegible]

(۱) [illegible]

[illegible] حاشیں واپس حاصل کرنے۔

(۲) [illegible]

[illegible]

[illegible]

(۴۹–۱۹۴۷ء)

[illegible] حسینی [illegible]

[illegible] یوسف صاحب [illegible] ۱۹۲۹ [illegible]

[illegible] یوسف صاحب [illegible]

(۹) [illegible]

• [illegible]

(۱) [illegible]

[illegible]

(۱۲) [illegible] تحقیق [illegible]

غلط نامہ مکتوبات بنام قاضی عبدالودود

صفحہ سطر	غلط	صحیح
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	سعر
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

صفحہ سطر	غلط	صحیح
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	(ع)	(ع)
[illegible]	[illegible]	توتان
[illegible]		[illegible]
[illegible]	آبادی ہے	آبادی ہوتا ہے
[illegible]	ترسم	ترسم
[illegible]	جرانی	ہرولی
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲ ج	F/7
[illegible]	[illegible]	جلد
[illegible]	محالدین	فخرالدین
[illegible]	۵۵۱	کذا (نقل مطابق...)
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	کہا تھا	کہی تھی
[illegible]	صاحب	مولوی صاحب
[illegible]	[illegible]	فخرالدین صاحب
[illegible]	[illegible]	(کذا)
[illegible]	سمجھا	سمجھی
[illegible]	سبز رنگ	سرخ رنگ

الدكتور عبد الله الرشيد
[illegible]

الاعتناء بالغناء في الغناء

للملا علي القاري

[illegible]

[illegible] ملا علي القاري [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

(١) [illegible]

(٢) [illegible]

(٣) [illegible]

(٤) [illegible]

[illegible]

يكون مباحا وقد يكون مكروها وقد يكون مستحبا … فالحرام هو لأكثر الناس من الشبان ومن غلبت عليهم شهوة الدنيا فلا يحرك السماع منهم إلا ما هو الغالب على قلوبهم من الصفات المذمومة. وأما المكروه فهو لمن لا ينزله على صورة المخلوقين ولكن يتخذه عادة له في أكثر الأوقات على سبيل اللهو. وأما المباح فهو لمن لا حظ له منه إلا التلذذ بالصوت الحسن. وأما المستحب فهو لمن غلب عليه حب الله تعالى ولم يحرك السماع منه إلا الصفات المحمودة (الإحياء ٢ / ٢٧٢).

ويحدثنا كثيرون في "عوارف المعارف" و"آداب المريدين" كلاهما للسهروردي، و"الرسالة القشيرية" لأبي القاسم القشيري، و"حل الرموز ومفاتيح الكنوز" لابن غانم المقدسي، و"كلام موجز في القرب المطلوب لأصحاب الحال" و"المستطرف في كل فن مستظرف" للشيخ شهاب الدين محمد الأبشيهي وفي كتب أخرى. ولكنهم قد جمعوا الأحاديث وأقوال الفقهاء والصوفية [illegible] ولم يستدلوا [illegible] ولم يميزوا صحيح [illegible] وهذه الأقوال متعارضة [illegible] [illegible] [illegible] الغزالي.

ومن [illegible] التصوف [illegible] وهذه الأدلة [illegible] [illegible] النفس [illegible] (الإحياء ٢ / ٢٩٥).

وهكذا [illegible] في هذه الرسالة [illegible] الأحاديث والأقوال [illegible] [illegible] قطعيا بالاستدلال [illegible] مضطرب متناقضة.

[illegible] [illegible] الأئمة الأربعة [illegible] [illegible] الإباحة [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

وما نقل آحاداً منه ومن أكابر السلف من الصحابة والتابعين والعلماء الأعلام في السماع

أنه طعن من لا يعرف إلا اعتراض عليه وذكروا من يرجع في الفتوى الشرعية إليه ... وقال في موضع "وأما ما نقل عن عبد الله بن جعفر ومعاوية وغيرهما والشعبي وغيرهم من السلف من السماع والأوتار فمحمول على ما لم يبلغهم من الآثار والأخبار ولو كان ذلك باجتهاد منهم فمخالف لاجتهاد غيرهم واختلاف الأئمة رحمة".

وقد بحث الغزالي في السماع والرقص والتواجد بالتفصيل ولم يكتف بما فيه من الأحاديث والأقوال المتناقضة فقط بل عدد المذاهب والأدلة في جواز السماع وعدم جوازه وأثبت بأن حد السماع في الأصل ثم أثبت حرمته لعوارض مختلفة فيه ثم وعليه

(الإحياء ٢/ كتاب السماع والوجد)

كلمات عن هذه الرسالة

نسختان من هذه الرسالة محفوظتان في مكتبة جامعة بشاور الإسلامية

تحت الرقم ٢٥٦٨ و ٢٥٦٩ وفي النسختين إسمها "الاعتناء بالغناء" وفي فهرس المكتبة الخديوية بمصر (٣/٢) "رسالة في ... تحريم سماع الآلات للملا علي القاري ... من تأليفها في غرة ربيع الأول سنة ..."

وقال صاحب الأعلام خير الدين الزركلي في ترجمة الملا علي القاري حين ذكر تصانيفه "ورسالة في السماع ... من مكتب ... ولسنة ... الأئمة".

تمت هذه الرسالة من مخطوطتين بمكتبة جامعة بشاور، وكلتاهما ... تاريخ كتابته ... وذكرت فروق النسختين والمراجع في الهوامش ولا ثم ... مراجع الأحاديث ... في الهوامش وعلقت ... علامة ... في هذه الرسالة ... أسماء الأعلام ... المشهور

رموز الهوامش

١ - نسخة الأصل محفوظة بمكتبة جامعة بشاور تحت الرقم ٢٥٦٨ }
ش = النسخة ... ٢٥٦٩ }
٣ = ...

بسم اللہ الرحمن الرحیم

[illegible]

أحسنه — والمعنى يستمعون القرآن وغيره، فيتبعون القرآن ويتركون غيره. أولئك الذين هداهم الله وأولئك هم أولوا الألباب

وقوله تعالى: الله نزّل أحسن الحديث كتابا متشابها مثاني تقشعر منه جلود الذين يخشون ربهم ثم تلين جلودهم وقلوبهم إلى ذكر الله — والمعنى إذا ذكرت آيات [العذاب] (1) والرهب والعقاب اقشعرت جلودهم (2) الخائفين لله، وإذا ذكرت آيات الرحمة والثواب لانت جلودهم وسكنت قلوبهم، كما قال الله تعالى: ألا بذكر الله تطمئن القلوب (3). وحقيقة المعنى أن قلوبهم تقشعر عند الخوف من العذاب وتلين عند رجاء الثواب فهم بين الخوف والرجاء في هذا الباب (4).

قال قتادة: هذا نعت أولياء الله نعتهم الله بأن تقشعر جلودهم وتطمئن قلوبهم إلى ذكره (5)، ولم ينعتهم بذهاب عقولهم والغشيان عليهم، إنما ذلك في أهل البدع وهو من الشيطان (6).

وعن عبد الله بن عروة بن الزبير رضي الله عنه قال قلت لجدتي أسماء بنت أبي بكر رضي الله تعالى عنها كيف كان أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم يفعلون (7) إذا قرئ عليهم القرآن؟ قالت كانوا كما نعتهم الله عز وجل تدمع أعينهم وتقشعر جلودهم، قلت فإن ناسا اليوم إذا قرئ

---

(1) ما [illegible] من معالم التنزيل. (2) ساقط من ت. (3) [illegible] ساقط من ت.

(4) ساقط من ا. (5) [illegible]. (6) ساقط من ت.

(7) في ت يصنعون.

1- سورة الزمر - 39/18، [illegible] معالم التنزيل ص [illegible]، سورة الزمر - 39/23

(2) القرآن، الرعد - 13/28 [illegible]

(3) كذا في معالم التنزيل ص [illegible]

عليهم القرآن خرّ أحدهم مغشياً عليه فقلت: أعوذ بالله من الشيطان

وروي أن ابن عمر رضي الله عنهما مرّ برجل من أهل العراق ساقط، فقال: ما بال هذا؟ قالوا: إنه إذا قرئ عليه القرآن وسمع ذكر الله سقط، فقال ابن عمر: إنا لنخشى الله وما نسقط، ثم قال: إن الشيطان يدخل في جوف أحدهم، ما كان هذا صنيع أصحاب محمد صلى الله عليه وسلم.

وذكر عند ابن سيرين الذين يصرعون إذا قرئ عليهم القرآن، فقال: بيننا وبينهم أن يقعد أحدهم على ظهر بيت باسطاً رجليه، ثم يقرأ عليه القرآن من أوله إلى آخره فإن رمى بنفسه فهو صادق. وبعد هذا فالله يهدي من يشاء ومن يضلل الله فما له من هاد.

وأما التغني فقد ورد عنه صلى الله عليه وسلم: زينوا القرآن بأصواتكم رواه أحمد وأبو داود والنسائي وابن ماجة وابن حبان عن البراء رضي الله عنه وزاد الحاكم عنه: فإن الصوت الحسن يزيد القرآن حسناً، أي بغير زيادة

---

(١) [illegible] ساقط من [illegible] (٢-٣) ساقط من أ (٤) ساقط من [illegible] (٥) [illegible] من أ (٦) ساقط من ف.

---

(١) راجع [illegible] ص [illegible] (٢) [illegible] ص ١٠٠ (٣) راجع [illegible] ص [illegible] ص ١٧

(٤) الكشف [illegible] القرطبي [illegible] مسند أحمد بن حنبل ج ٤ ص ٢٨٣، ٢٨٥ [illegible] أبو داود كتاب [illegible] النسائي [illegible] ابن ماجة باب [illegible] حسن الصوت بالقرآن. وراجع البخاري كتاب التوحيد [illegible] الصوت [illegible] مشكاة [illegible] في كتابه [illegible] راجع فضائل القرآن باب التغني بالقرآن.

حسنه الموجب لكمال أنسه، وورد من لم يتغن بالقرآن فليس منا. رواه البخاري(١). والمعنى من(٢) لم يحسن به صوته جاهراً به، مترنماً على طريق التحزين به والسرور به، طالباً به غنى النفس عن غيره(٣)، راجياً به غنى اليد عنه فقره، فهذه سبعة من اللتانى مستنبطة من المبانى.

وقال عليه السلام لأبي موسى: لقد أوتي مزماراً من مزامير آل داود(٤) أي حسن صوت ونغمة من نغمات داود عليه السلام.

وعنه صلى الله عليه وسلم: اقرؤا القرآن بلحون العرب(٣) وإياكم ولحون أهل الفسق(٤) وأهل الكتابين، فانه سيجيء قوم من بعدي يرجعون بالقرآن ترجيع الغناء والرهبانية، والنوح لا يجاوز(٥) حناجرهم مفتونة قلوبهم وقلوب من يعجبه شأنهم. رواه الطبراني والبيهقي عن حذيفة(٦).

وروى عن ابن مسعود رضي الله تعالى عنه أنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: اقرأ علي، قلت: أقرأ عليك وعليك أنزل القرآن؟ قال:

---

(١) ساقط من ش (٢) "د" ساقط من ا (٣) في مشكوة المصابيح لسانه "وأصواتها" (٤) في المشكوة: الفسق (٥) ساقط من مشكوة (٦) في مشكوة: لا يجاوز

(٥) لم أجد هذا الحديث بتمامه في البخاري بل أورد البخاري ترجمة باب بهذا الحديث في فضائل القرآن حيث قال: باب من لم يتغن بالقرآن ــــ راجع أيضاً أبا داود، وابن ماجه وسنن البيهقي في الأبواب المذكورة ومشكوة فضائل القرآن (ب) راجع ابن ماجه، النسائي، سنن البيهقي، الدارمي للأبواب المذكورة والبخاري. (ج) فضائل القرآن ـ باب حسن الصوت بالقرأة

(د) لم أجده في معجم الطبراني الصغير بل ذكره في معجمه الكبير والبيهقي رواه في شعب الإيمان كما قال الخطيب في المشكوة تحت فضائل القرآن، ورواه البيهقي في شعب الإيمان ورزين في كتابه.

إني أحبّ أن أسمعه من غيري قال: فقرأتُ سورة [illegible] حتى بلغت فكيف إذا جئنا من كل أمة بشهيد وجئنا بك على هؤلاء شهيدا قال: [illegible] فرأيت عينيه [illegible] حسبك

وروى [illegible] قوت القلوب [illegible] أنه [illegible] على رسول الله صلى الله عليه وسلم [illegible] قوم [illegible] [فقال] يا رسول الله [illegible] فقال: من هذه [illegible] ولعل [illegible] والملائكة والسمعة [illegible] [illegible] بالخير.[1]

[illegible]

وروي عنه صلى الله عليه وسلم [illegible] فكنت أسمع له أزيزا.

[illegible] كان أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم [illegible] وقد [illegible] رسول الله صلى الله عليه وسلم [illegible]

[illegible]

[illegible]

(١) البخاري فضائل [illegible]

[illegible] القاري [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

أبي الصلت(١) وأمية كان من شعراء الجاهلية، وقد قال عليه السلام في حقه: إن كاد في شعره(٢) ليسلم(٣)

وصح عنه عليه السلام: أن أصدق كلمة قالها لبيد:

ألا كل شيء ما خلا الله باطل(٣)

وكان صلى الله عليه وسلم يضع لحسان منبرا في المسجد يقوم عليه يفاخر عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، ويقول عليه السلام: إن الله يؤيد حسان بروح القدس ما نافح(٤) أو فاخر عن رسول الله صلى الله عليه وسلم — رواه الترمذي وغيره(٥).

وبهذا تبين أن الشعر ليس بمذموم مطلقا كما توهم بعضهم بل حسنه حسن وقبيحه قبيح(٦). ويستفاد هذا المعنى من قوله تعالى: والشعراء يتبعهم الغاوون. ألم تر أنهم في كل واد يهيمون. وأنهم يقولون ما لا يفعلون. إلا الذين

---

(٤) في ب وفي ص ٢١ في الأصل: نافخ والتصحيح من م.

---

(١) مسلم - أدب شعر، الصحيحة - أدب شعر، مشكوة - آداب البيان والشعر.

(٢) مسلم - أدب/شعر، سنن البيهقي - الشهادات لا بأس باستماع الحداء

(٣) الترمذي - أدب/شعر، مسلم أدب/شعر، البخاري رقاق، ابن ماجه - أدب/شعر، مشكوة - آداب البيان والشعر جاء في رواية: أصدق كلمة قالها الشاعر كلمة لبيد وفي رواية: أشعر كلمة تكلمت بها العرب كلمة لبيد، وفي رواية: أصدق بيت قاله الشاعر، وفي رواية: أصدق بيت قالته الشعراء كلمة لبيد. كذا في مسلم.

(٥) الترمذي - أدب/إنشاد الشعر، أبو داود - أدب/الشعر، مشكوة نقلا عن البخاري آداب البيان والشعر.

(٦) عن عائشة قالت: ذكر عند رسول الله صلى الله عليه وسلم الشعر فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: هو كلام فحسنه حسن وقبيحه قبيح — مشكوة - آداب البيان والشعر، سنن البيهقي - الشهادات - الشعراء.

آمنوا وعملوا الصالحات وذكروا الله كثيراً وانتصروا من بعد ما ظلموا وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون (١)

وروى الترمذي عن أنس أن النبي صلى الله عليه وسلم دخل مكة في عمرة القضاء وابن رواحة يمشي بين يديه وهو يقول

خلوا بني الكفار عن سبيله اليوم نضربكم على تنزيله
ضربا يزيل الهام عن مقيله ويذهل الخليل عن خليله (٢)

فقال له عمر يا ابن رواحة بين يدي رسول الله صلى الله عليه وسلم وفي حرم الله تقول شعراً فقال النبي صلى الله عليه وسلم خل عنه يا عمر فلهي أسرع فيهم من نضح النبل (٣) [illegible]

الألباب شهيرة.

وعن أنس بن مالك أن النبي صلى الله عليه وسلم كان يحدى له في السفر وأن أنجشة كان يحدو بالنساء والبراء بن مالك يحدو بالرجال فقال عليه السلام يا أنجشة رويدك سوقك بالقوارير (٤)

وقد روى البخاري [illegible] عن سلمة بن الأكوع قال خرجنا مع النبي صلى الله عليه وسلم إلى خيبر فقال رجل منهم [illegible] يا عامر من هنيهاتك أي أراجيزك أو بعضا منها [illegible] (٥) [illegible]

---

(١) [illegible]
[illegible]
[illegible] أي.

---

(١) القرآن الشعراء ٢٢٤ – ٢٢٧

(٢) الترمذي، أبواب [illegible] الشعر [illegible]

(٣) البخاري [illegible]

(٤) [illegible]

لاهُمّ لولا أنت ما اهتدينا ولا تصدقنا ولا صلّينا

وثبت الأقدام إن لاقينا وأنزلن سكينة علينا [1]

وقال ابن سلام من الأئمة فقالوا: ومن قال رحمه الله الحديث.

وروي عن عمر رضي الله عنه أنه كان يستمع الغناء وزاد المسافر [2] ومن ذلك ما روي أن سليمان بن أبي يسار سمع سعد بن أبي وقاص يتغنى بين مكة والمدينة فقال له سبحان الله أتقول هذا وأنت محرم فقال سعد يا ابن أخي وهل سمعتني أقول هجراً أو فحشاً؟

وقد روي عن أبي حنيفة أنه كان يسمع ويستشهد بهذا البيت

كفى حزناً أن لا أحب حبيبه ولا غير يرضى به الله صالح

فمن هنا نجد أن الصوت الحسن بالشعر مستحسن لا مكروه ولا محرم ولا مكروه عن موضوع مستحب وعمل [illegible]

---

(1) الملك الأول 2. [illegible] 3. [illegible]

(2) البخاري كتاب المغازي غزوة خيبر وكتاب الأدب ما يجوز من الشعر سنن [illegible] الشهادات [illegible] باب استماع [illegible] المستطرف ٢ : ٢١٠ عن [illegible] خالد بن عبد الله بن يحيى قال: قال عمر رضي الله تعالى عنه للنابغة الجعدي أسمعني بعض ما عفا الله لك عنه من هناتك فأسمعه كلمة فقال له: وإنك لقائلها؟ قال نعم قال: لطالما غنيت بها خلف جمال الخطاب — وعن عبد الله بن عوف قال: أتيت باب عمر بن الخطاب رضي الله تعالى عنه فسمعته يغني بالركبانية يقول:

فكيف ثوائي بالمدينة بعد ما قضى وطراً منها جميل بن معمر

فلما استأذنت عليه قال لي أسمعت ما قلت؟ قلت نعم قال إنا إذا خلونا قلنا ما يقول الناس في بيوتهم.

وقد روى القشيري في رسالته عن جابر بن عبد الله الأنصاري عن عائشة رضي الله عنها أنها أنكحت ذات قرابة لها من الأنصار فجاء النبي صلى الله عليه وسلم فقال: أهديتم الفتاة. فقالت: نعم قال: فأرسلتم معها من يغني. قالت: لا. فقال صلى الله عليه وسلم: إن الأنصار فيهم غزل فلو بعثتم معها من يقول:

أتيناكم أتيناكم فحيانا وحياكم[1]

وروى أيضاً عن سعادة أن رجلاً أنشد بين يدي رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال:

أقبلت[1] فلاح لها عارضان كالسبج[2] أدبرت فقلت لها والفؤاد في وهج

هل علي ويحكما إن عشقت من حرج

فقال عليه السلام: لا حرج[3] إن شاء الله تعالى[4][5]

وقال صالح بن أحمد بن حنبل: رأيت أبي يسمع من وراء الحائط السماع كان عند جيراننا.

وأما اقتران الغناء بالدف فقد حدثت[5] [illegible] السهروردي [illegible] وأيام العرس للعباد [illegible] ومن ذلك إنشاد أهل المدينة وضربهم بالدف عند قدوم رسول الله صلى الله عليه وسلم من مكة المكرمة [illegible] السكينة وقولهم:

طلع البدر علينا من ثنيات الوداع وجب الشكر علينا[6] ما دعا لله داع[5]

---

(١) [illegible]

[illegible] كذا في نسخة [illegible] نسخة

مطبوعة. (٥) [illegible] من المستقر

(٤) الرسالة القشيرية باب السماع [illegible] والدف

[illegible] الرسالة القشيرية باب السماع [illegible]

(٥) [illegible] وفيه تحديد في الاعتبار.

ومن ذلك حديث الربيع بنت معوذ (1): دخل علي رسول الله صلى الله عليه وسلم صبيحة عرسي وعندي جاريتان تغنيان وتندبان آبائي الذين قتلوا يوم بدر وتقولان فيما تقولان (1):

وفينا نبي يعلم ما في غد

فقال: أما هذا فلا تقولاه (2)، لا يعلم ما في غد إلا الله (1).

ومن ذلك ما رواه ابن ماجة عن أنس أنه عليه السلام مر ببعض أزقة المدينة، فإذا هو بجوار يضربن بدفهن ويتغنين ويقلن:

نحن جوار من بني النجار (5) يا حبذا محمد من جار (6)

فقال عليه السلام: الله يعلم إني لأحبكن (7).

ومن ذلك ما [illegible] أنه عليه السلام لما رجع من بعض مغازيه، جاءت جارية سوداء فقالت: يا رسول الله إني كنت نذرت إن ردك الله سالما أن أضرب بين يديك بالدف وأتغنى، فقال لها: إن كنت نذرت فاضربي وإلا فلا، فجعلت تضرب، فدخل أبو بكر وهي تضرب، ثم دخل عمر، فألقت الدف تحت استها ثم قعدت عليه، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إن الشيطان ليخاف منك يا عمر [illegible] هذا حديث حسن صحيح، وأخرجه

---

(1) [illegible] معوذ (2) [illegible] تقولان [illegible] والتصحيح من [illegible]
(3) [illegible] فلا تقولوه (4) [illegible] جوار (5) [illegible] البخاري
(6) [illegible] ما رواه [illegible] قالت
(7) [illegible] داود [illegible]
[illegible] النكاح مع [illegible] النكاح.
[illegible]

[illegible] في شرح مشكوة

ومن [illegible] ما أخرجه البخاري ومسلم عن عائشة [illegible] أبا بكر دخل

عليها وعندها جاريتان في أيام منى تدففان وتضربان والنبي صلى الله

عليه وسلم متغش بثوبه فانتهرهما أبو بكر فكشف رسول الله صلى الله عليه

وسلم عن وجهه فقال دعهما يا أبا بكر فإنها أيام عيد.(٥)

وذهب طائفة إلى إباحة [illegible] وأصحاب الحنفية [illegible]

[illegible] عليه السلام [illegible] واضربوا عليه بالدف [illegible]

الترمذي عن عائشة [illegible] الحلال والحرام

[illegible]

[illegible] ثلاثة [illegible]

[illegible] من المنكر [illegible]

وهذا منقول عن جماعة من الصحابة [illegible] والتابعين [illegible]

العلماء [illegible] وأحمد وغيرهم [illegible]

عليه.(٦) [illegible]

نقله صاحب [illegible] في شرح [illegible]

---

(١) [illegible]

(٥) الترمذي [illegible] الحديث [illegible]

[illegible] ٥٤

[illegible]

[illegible] الترمذي [illegible]

[illegible] ١٥١

لا وفي بوحنيفة من بعض [illegible] ومنه أحد شمس الأئمة السرخسي ويستدل عليه بأن [illegible] رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يفعل ذلك.

ومن [illegible] الغناء في [illegible] ويستحب. وجعل من يستحب [illegible] في العرس [illegible] ذلك. وقال [illegible] وغيره: سماع ما يحرك الأحوال السنية مذكرة للأمور الأخروية مندوب[٤].

وقال الجنيد رضي الله عنه: الناس في السماع على ثلاثة أضرب: العوام، والزهاد، والعارفون — فأما العوام فحرام عليهم لبقاء نفوسهم، وأما الزهاد فيباح لهم لحصول مجاهداتهم وأما أصحابنا فيستحب لهم[ب]. — [illegible][٣].

وقال السهروردي: المنكر للسماع إما جاهل بالسنن والآثار وإما مغتر بما [illegible][١] من أحوال الأخيار، وإما جامد الطبع لا ذوق له، فيصر[٢] على الإنكار[٣][٥].

---

[٤] [illegible] في العوارف [illegible] مصر [illegible] الأفكار

---

[١] [illegible] والرسالة القشيرية [illegible] [illegible] قوت القلوب [illegible] عوارف المعارف [illegible] وقال مرة أخرى [illegible] سماع [illegible] وما أباحه إلا [illegible] من [illegible] في المساجد [illegible] والمناهد المبهمة. راجع العوارف ص [illegible] وفي هامش الحلبية مرة ٢٥٦٩: وأما ما أحدثه بعض الصوفية المتصوفة في [illegible] من ضرب الدف مع ذكر الله [illegible] ذلك [illegible] فلا شك أنه من البدع المحرمة [illegible] من [illegible] الذين خلطوا [illegible] [illegible] في رسالة أخرى.

وقد قال بعض العارفين: السماع لمن[1] سمع له[2] كماء زمزم[3] لما شرب له. وفي الحديث: إنما الأعمال بالنيات وإنما لكل امرئ ما نوى[4]. ويحكم بسماع المباحات، فإنها تصير حسنات وسيئات بحسب اختلاف النيات وتعدد الطويات. وما أحسن قول ابن حزم: إن من نوى بسماع الغناء ترويح القلب ليتقوى[3] به على طاعة الله فهو مطيع، ومن نوى به التقوي على المعصية فهو عاص، ومن لم ينو لا طاعة ولا معصية فهو لغو معفو عنه كخروج الإنسان إلى بستانه وجلوسه على بابه للتفرج انتهى — وينبغي أن يقيد هذا بما إذا كان المسموع قولا مباحا، أما إذا كان شعرا فيه صفة امرأة أجنبية معروفة فيحرم عند بعض الفقهاء، خلافا لما إذا كان فيه وصف امرأة لا تعرف ففيه اختلاف، والأحوط عدم جوازه — ويحمل على الشعر المباح ما ورد عن عمر بن عبد العزيز أنه كان يسمع من جواريه الغناء خاصة.

ويروي الجاحظ في رسالته[4] أنه ذكر الغناء وسماعه عند أبي حنيفة فقال: وددت لو أن لي [illegible] و[illegible] دار [illegible] سماع ما سمع[2] — وحكى الصاغاني عن أبي يوسف أنه كان ربما حضر مجلس الرشيد وفيه الغناء فيبكي [illegible] مدح [illegible][5] [illegible] الإمام [illegible] عن سماع الغناء فقال [illegible] على [illegible] ولا [illegible] ولا يتحدث عنه، ولا ينكره إلا على من خرج عن حد الطبع ما قل[6] [illegible] وقال

(١) في وما [illegible] (٢) ساقطة من ا (٣) في ليقوى [illegible] في ت عنده

(١) المصارى [illegible] الإيمان [illegible] (٣) [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] (٥) [illegible] (٦) [illegible]

[illegible]

ابن عقيل في كتابه الفنون بالمعقول: صحت الرواية عن أحمد بن حنبل أنه سمع الغناء في بيت ابنه صالح(1)

وروى الخطيب البغدادي في تاريخه عن داود الطائي أنه كان يحضر السماع فيظهر منه وجد حتى ينتصب له ظهره بعد أن كان قد انحنى من الكبر(2)

حكي عن إبراهيم المزني قال: كنت مع الشافعي وعندنا إبراهيم بن [illegible]، فمررنا بدار قوم وجارية تغنيهم شعرا، فقال الشافعي: ميلوا بنا نسمع، فلما فرغت الجارية قال الشافعي لإبراهيم: أيطربك هذا؟ قال لا، قال فما لك حس —— وسمع سفيان الثوري:

أمر بالذي أهوى وأنسى — فؤادي منه بين ترجيه
تشاغل عن محبوب بحق — وشغلي في محبته ونيه

قال فجعل سفيان يتواجد ويقول: نعم الشغل شغل لا تغيرونه —— وقال ذو النون المصري: كان موسى عليه السلام في بني إسرائيل يعظهم فزعق رجل منهم، فانتهره موسى عليه السلام، فأوحى الله إليه: يا موسى نحيي صاحوا [illegible] بطيبي فاحوا وبحبي استراحوا، وفي ميدان المعرفة زادوا

---

(1) [illegible] (2) [illegible]

سماع في أهل [illegible] الأيام [illegible] أيام التشريق [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] أحمد عنه رواية [illegible]

فلم تنكر على عبادي ؟ (١)

ومن هذا الباب [illegible] ما ورد عن ابن مسعود [illegible]

[illegible] رواه أحمد [illegible]

وفي رواية [illegible] (٣) ومنه قول [illegible]

[illegible] (٤) [illegible] صلى الله عليه وسلم. ما رفع أحد صوته

[illegible] على منكبيه [illegible]

[illegible] (٥) [illegible] (٦) [illegible] الرواية [illegible]

[illegible]

---

(١) [illegible]

---

(١) [illegible]

[illegible] سنة ١٩٣٣ [illegible]

[illegible] يوم القيامة [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الروايات [illegible]

[illegible] والأقوى

راجع [illegible] علوم [illegible] ١٩٩٦ [illegible]

أن الصوت [illegible] ثم. وذهبت[1] طائفة من الصحابة والتابعين إلى الإباحة، ولعلهم ما وصل إليهم دليل الحرمة.

وأما الشبابة وهي القصبة المثقبة[2] فقال أصحاب [illegible] العادة [illegible] جميع الصفات [illegible] الجمهور على تحريمها، وبه قال أبو حنيفة وأصحابه وهو [illegible] وذهب [illegible] من الشا[illegible] [illegible] العراق[illegible] وتبعه الرافعي، وروي عن [illegible] الترخص في [illegible].

ومما يؤيد تحريم الشبابة حديث نافع عن ابن عمر [illegible] في أذنيه وقد سمع زمارة راع [illegible] عن الطريق [illegible] يا نافع أتسمع؟ حتى [illegible] لا [illegible] أصبعيه من أذنيه وقال [illegible] رسول الله صلى الله عليه وسلم صنع[3].

وأما [illegible] هذا الحديث يدل على الإباحة [illegible][4] الواقعة من قضية الحال التي لا تصلح للاستدلال [illegible] ابن عمر [illegible] أنه كان صغيرا دون البلوغ [illegible] الراعي [illegible] [illegible] على أنه [illegible] الاستماع [illegible] [illegible] [illegible] فيكون سببا للإباحة ـــــ والحاصل أنه [illegible] [illegible] أن استماعه [illegible] الأولى [illegible] الأعلى.

(١) [illegible] (٢) [illegible] (٣) [illegible]

(١) راجع الإحياء [illegible] (٢) راجع سنن أبي داود [illegible] وقال [illegible] مشكاة [illegible] قال نافع وكنت إذ ذاك صغيرا [illegible] المتوفى سنة [illegible] هذا الحديث ـــ

(٤) راجع الإحياء [illegible]

وأما قوله تعالى ومن الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم ويتخذها هزوا (١) فقال مجاهد: هي شراء المغنيات، ولعله أراد المغنيات بالآلات، لئلا يخالف لما تقدم من الروايات، وكذا ما روي عن أبي أمامة عنه عليه السلام أنه قال لا يحل تعليم المغنيات ولا بيعهن وأثمانهن حرام (ب) ويؤيده ما روى أبو هريرة أنه عليه السلام نهى عن ثمن الكلب وكسب الزمارة، وقال مكحول من اشترى جارية ضرابة ليمسكها لغنائها وضربها مقيما عليه حتى يموت لم أصل عليه، إن الله تعالى يقول ومن الناس من يشتري لهو الحديث الآية (ب) وعن عبد الله بن مسعود وابن عباس والحسن وعكرمة وسعيد بن جبير قالوا لهو الحديث هو الغناء والآية نزلت فيه. ومعنى قوله يشتري لهو الحديث أي يستبدل ويختار الغناء والمزامير والمعازف على القرآن، كذا في تفسير البغوي (د). وفي فتاوى قاضي خان: أما استماع الملاهي كالضرب بالقضيب (٢) ونحو ذلك حرام ومعصية لقوله عليه السلام استماع الملاهي معصية والجلوس عليها فسق والتلذذ بها من الكفر، إنما قال ذلك على وجه التشديد، وإن سمع بغتة فلا إثم عليه، ويجب عليه أن يجتهد كل الجهد حتى لا يسمع لما روي أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أدخل إصبعيه في أذنيه (ه) وأما قراءة شعر ليس فيه ما كان فيه من ذكر الفسق والغلام مكروه لأنه ذكر الفحش

---

(١) ص لقمان (٢) م القصب

(١) القرآن ... راجع الترمذي بيع كراهية بيع المغنيات

(٢) ... مع مسألة ... بيع ... الكلب

[illegible]

وأما الرقص فهو من ملاهات النفس. ومن الشطح من السماع فقال

فهو منه، وباطنه عبرة، فمن عرف الإشارة حل له السماع بالعبرة و

لا فاستدعى الفتنة وتوجه البلية. وأعطى زمامه بيد الشيطان[1].

وقال بعضهم: إنما السماع حقيقة ربانية ولطيفة روحانية تسري[1]

من سميع المسمع إلى الأسرار [illegible] وحق من القسم لم

يكن [illegible] فيه مام يوزن، فهو من حق [illegible] حق من حق[2] [illegible] يتغير فيه حالات

لا يزال العبد يتقرب إلى بالسماع حتى [illegible] كنت سمعه الذي

به يسمع وبصره[3]

وأما الانزعاج الذي يلحق المتواجد، فمن ضعف حاله عن تحمل

الوارد، وذلك لازدحام [illegible] وأسرار الحوار [illegible] القلب [illegible]

هو [illegible] فيلحقه [illegible] جوارحه [illegible][2] [illegible][3] [illegible]

والصعقة والشهقة لغلبة وجده، قوة وارده. وأكثر ما يكون هذا الحال

[illegible] وأما أهل [illegible] عليهم [illegible] والشوق

[illegible] صدورهم [illegible] في قلوبهم [illegible] عليهم [illegible] ، فهم

في سلوكهم متحركون وفي سكونهم متحققون [illegible] قبل لأبي القاسم الجنيد

مالك [illegible] عند السماع حال الاجتماع، فقال: وترى الجبال تحسبها

جامدة وهي تمر مر السحاب[4] وقال بعض أهل المعرفة [illegible]

---

[1] [illegible] ساقط من ت [illegible] ساقط من ت [illegible]

---

[1] راجع الإحياء [illegible] والرسالة القشيرية [illegible] باب السماع [illegible]

[2] [illegible] السماع [illegible] راجع [illegible] المواضع [illegible]

[3] [illegible] السماع [illegible] القرآن [illegible] ٢٧ ٨٨

[illegible]

[illegible] فقال [illegible] لا، قال [illegible]

[illegible] إن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قال:

"وهل [illegible] الكون [illegible]"

[illegible]

[illegible] سمع رجلاً يقول [illegible]

[illegible] فقال [illegible]

[illegible] فقال [illegible]

[illegible] في حالة [illegible] في حالة المشاهدة [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

---

(١) راجع [illegible]

[illegible] السماع [illegible] رسالة القشيرية

السماع [illegible]

[illegible] فقلتُ: ما تقول في هذا [illegible] الذي [illegible] [illegible]

فقال: هو الزوال الصعب والذي لا [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] هل تنكر [illegible]

[illegible] بالقرآن ويحتجون [illegible] بالقرآن [illegible]

ثم يحتجون [illegible] أو يكفر [illegible]

[illegible] أقسام [illegible]

[illegible] عليهم [illegible]

[illegible] والدار الآخرة [illegible]

[illegible]

[illegible] من الصحابة [illegible]

[illegible] وقد قال الله تعالى [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] البقرة [illegible]

[illegible]

واستبشار السرور والفرح المستخفين لمن يتذكر عيشه ومنافعه في دنيا [illegible] ويستريح من يسمعه. وكذا إذا وجد لذلك[1] أو حق هذا وغير ذلك [illegible] فيحصل له نوع من الحالات.

ومنه ما هو المندوب وهو لمن غالب حب الله[2] عليه وشوقه إليه فلا يحرك السماع منه إلا الصفات الحميدة والحالات السعيدة، ويستدعي المقامات العلية، والكرامات السنية والواردات الإلهية والمواهب اللدنية.

فقد روي عن عون بن عبد الله بن عتبة أنه أمر جارية له حسنة الصوت [illegible] بصوت حزين حتى يبكي رضي الله تعالى عنه. قال ابن سعد: ما كان بالعراق أحد أعلم بسنة من عون بن عبد الله بن عتبة. وقال خارجة بن مصعب: صحبت عون بن عبد الله أربعا وعشرين سنة. فما أعلم أن الملائكة كتبت عليه خطيئة. ثم غضب قط، وكان إذا أغضبه أحد قال له: بارك الله فيك. [illegible] يوما فأجابها ما على صوته. فاعتق من أهل دمشق رقيقين [illegible] الأمير [illegible] من المسلمين خشية أن يروه عند طلب الأجر [illegible] فظا لا خادمة ولا شيئا.

وروي عن مسلم العابدي [أنه] قال: قدم علينا [illegible] عتبة الغلام وعبد الواحد بن زيد ومسلم الأسواري. فنزلوا على [illegible] فهيأت لهم ذات يوم طعاما، فدعوتهم إليه فجاؤوا [illegible] أيديهم إذا [قائل] يقول رافعا صوته.

وليحذر من داء العجب [illegible] حتى[5] [illegible]

(١-١) في ت. و [illegible] (٢) ساقطة من ا (٣) ص [illegible]
(٤) في ا: يستدعي (٥) في [illegible] (٦) ساقطة من ت (٧) في ت يردهم
(٨) كذا في الإحياء وفي النسختين قائلا (٩) في الإحياء وحيثما [illegible] من الإحياء

قال: فصاح عشقاً لها صيحة خرّ ميتاً عليه، ولكن تقوم [illegible] العين.
وما فاقوا منه لقمة.(١)

ويشتمل في سماع ملات [illegible] يسمعها الحق [illegible] ويشتغل لسانه بذكره وجارحة قلبه بفكره(٢) [illegible] ومعال الكلام [illegible] مقام من [illegible] من سمع بظهر صفات نفسه، وحصل [illegible] حكايات عنده وأصله [illegible] ولوث حظوظه [illegible] واستشعار [illegible] بعده [illegible] فالسماع عليه حرام، ومن سمع بظهر به [illegible] وتدبر [illegible] ويقف [illegible] نفسه [illegible] من الله [illegible] ورجاء [illegible] من [illegible] عنده [illegible] مكتوب في صحائف الأبرار والله [illegible] الأخيار.

وقد قيل [illegible] السماع [illegible] وقت حتى [illegible] سيف [illegible] نفسه حتى [illegible] وقد قال [illegible] إن لي [illegible] من له قلب أو ألقى السمع وهو شهيد(٣) [illegible] من القول أو الفعل ولا [illegible] في [illegible].

[illegible] الرقص الذي [illegible] الصوفية في [illegible] لا يجوز [illegible] وهو [illegible] أهل التصوف، [illegible] من قبلهم قال [illegible] ما يفعله هؤلاء [illegible] أحوالهم

---

(١) ساقط من ا (٢-٢) ساقطة من ت (٣) في ت [illegible] (٤) ساقط من ت

(٥) ساقط من ا

(٦) راجع الاحياء للغزالي جزء ٢ [illegible] القشيرية باب [illegible] السماع.

(٧) القرآن — ق ٥٠ / ٣٧

من كان له قلب رقيق أو سمع كلمة توافق حاله أو تذكر شيئاً من أمر ربه[1] ربما يغشى عليه أو يقوم من غير اختيار ويخرج منه حركات اضطرارية وذلك مما لا يستبعد أن يكون [illegible] إلا أنه حديثه. ولا يظن بمثل شيخ السلف أنهم فعلوا مثل ما يفعل أهل زماننا [illegible] قال الأستاذ نجم الدين عمر النسفي المعروف [illegible] [illegible] التبري من [illegible] والضرب بالدف والتصفيق والرقص [illegible] [illegible] الذين [illegible] [illegible] لا [illegible] [illegible][3] وهو محرم [illegible] [illegible] وقد ورد [illegible] [illegible] رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن ضرب الدف [illegible] الصنج وضرب الزمارة [illegible] أن أول من أحدث الرقص والتواجد [illegible] السامري لما اتخذ لهم عجلاً جسداً له خوار قاموا يرقصون حوله.

وقال بعض شراح الرسالة المالكية كلاماً معناه [illegible] الأئمة الأربعة فقال قالت الحنفية إن الحاضر الذي يرقص فيه لا تقبل شهادته، وقالت المالكية من حضر هذا السماع المعهود [illegible] وإن اعتقد حله [illegible] وقالت الشافعية يجب على ولاة الأمور ردعهم، وقالت الحنابلة إن [illegible] سقطت عدالتهم انتهى.

والحق أن [illegible] محمد [illegible] من علماء والمشايخ الصوفية [illegible] على عدم [illegible] قوله عليه السلام: ادرؤوا الحدود بالشبهات[1]

[illegible]

[illegible]

---

(١) [illegible] ادرؤوا الحدود [illegible] [illegible] الحدود [illegible] بالشبهات [illegible]

[illegible] قال [illegible] إن الله لا يعذب [illegible] وقد قال العلامة [illegible]

[illegible]

[illegible] من الآثار والأخبار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] في كل وقت [illegible] الكتاب والسنة فهو باطل. والسماع منزلة قدم [illegible] — وقد قال الجنيد [illegible] في النوم [illegible] من [illegible] من أصحاب [illegible] قال [illegible] في [1] وقت [illegible] [2] فقال بعض الشيوخ [illegible] كيف تعرفه قال الجنيد: صدقت.

[illegible] الشريعة والحقيقة [illegible] في الطريقة، فلا يليق أمثال [illegible] الأمور [illegible] الأحد.

[illegible] من مشايخ الطرق والعلماء الأعلام في السماع أنه [illegible] من [illegible] ترجع في فتوى الشريعة [illegible] بعض المتصوفين [illegible] بين الدعوة [illegible] والتصديق [illegible] الكاملين [illegible] الإيمان [illegible] والعافية، وحسن الخاتمة وحسن [illegible] والحمد لله رب العالمين.

[illegible]

[illegible] الله لا يجمع [illegible] على ضلالة [illegible] الله على الجماعة ومن شذ شذ في [illegible] السواد الأعظم [illegible] أمتي لا تجمع على ضلالة [illegible] بالسواد الأعظم

(١) [illegible] صلى الله عليه وسلم: من رأى منكم منكرا فليغيره بيده، فإن لم يستطع فبلسانه، فإن لم يستطع فبقلبه، وذلك أضعف الإيمان — [illegible] مشكوة المصابيح [illegible]

اعلام

ص ٣ س ٢: ابن حبان ... ٣٥٤ھ،

. ابن حزم الظاہری (٣٨٤-٤٥٦ھ)

٥/١: ابن رواحۃ (... ٨ھ)

١١٣/٢: ابن سیرین (٣٣-١١٠ھ)

١/٩: ابن عباس، عبد اللہ بن عباس (٣ ق ھ - ٦٨ھ)

٢/٩: ابن عمر، عبد اللہ بن عمر بن الخطاب (١٠ ق ھ - ٧٣ھ)

١٣/٢: ابن مہدی، [illegible] عبد الرحمن بن مہدی العنبری البصری (١٣٥-١٩٨ھ)

٣/٢: ابو امامۃ، [illegible] صدی بن عجلان [illegible] صحابی، کان مع علی فی صفین وسکن الشام [illegible] توفی فی ارض حمص وھو آخر من مات من الصحابۃ بالشام لہ فی الصحیحین ٢٥٠ حدیث. الاعلام ٣/٢٠٣، صفۃ الصفوۃ (١/٣٠٨)

١/: ابوبکر صدیق (٥١ ق ھ - ١٣ھ)

١١/٨: ابو حنیفہ (٨٠-١٥٠ھ)

: ابو سلیمان الدارانی، عبد الرحمن بن احمد بن عطیۃ العنسی،

(... ٢١٥ھ) زاہد مشہور من اہل داریا بغوطۃ دمشق، اقام ببغداد مدۃ ثم عاد الی الشام فتوفی فی بلدہ لہ اخبار فی الزہد. الاعلام ٣/٢٩٣، [illegible]

[illegible]: ابو طالب المکی، محمد بن علی بن عطیۃ [illegible] (... ٣٨٦ھ) واعظ زاہد فقیہ [illegible] واشتہر بمکۃ [illegible] ثم [illegible] قوت القلوب فی [illegible] (الاعلام [illegible])

١٢/[illegible]: ابو عثمان المغربی، سعید بن سلام (... ٣٧٣ھ) [illegible] قیروان من قریۃ یقال لہا [illegible] وکان [illegible] من [illegible] صحب [illegible] ولقی بہ [illegible] من المشائخ [illegible] طبقات السلمی ٤٧٩

١٠/٥: ابو ہریرۃ (٢١ ق ھ - ٥٩ھ)

١٧/٩: ابو یوسف (١١٣-١٨٢ھ)

٢/٣: احمد بن حنبل (١٦٤-٢٤١ھ)

١٢/٥: اسماء بنت ابی بکر صدیق (... ٧٣ھ)

[illegible] الحبشة [illegible] الأسود
[illegible] كان [illegible] سماه النبي
صلى الله عليه وسلم [illegible]
وكان [illegible]
[illegible] (٠٠٠ - ٥٠ هـ)
[illegible] البراء بن مالك (٠٠٠ - ٢٠ هـ)
[illegible] البراء : البراء بن عازب (٠٠٠ - ٧١ هـ) أبو
عمارة [illegible]
[illegible] النبي صلى الله عليه
وسلم [illegible]
[illegible]
له [illegible] أحاديث
الأعلام [illegible]
[illegible] عبادة بن الصامت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صلى الله عليه وسلم
الأعلام [illegible] حلية الأولياء [illegible]
[illegible]
[illegible]
والبغوي : الحسين بن مسعود البغوي
[illegible]
[illegible]
[illegible] الجاحظ (١٦٣ - ٢٥٥ هـ)
[illegible] جعفر [illegible] جعفر الطيار [illegible]

ص ٨ [illegible] : الجنيد : أبو القاسم الجنيد بن
محمد [illegible] (٠٠٠ - ٢٩٧ هـ)
: حذيفة : حذيفة بن اليمان [illegible]
[illegible] حسان بن ثابت [illegible]
[illegible] الحسن : الحسن بن علي [illegible]
[illegible] الخطيب : أحمد بن علي الخطيب
البغدادي (٣٩٢ - ٤٦٣ هـ)
: داود الطائي : داود بن نصير الطائي
(٠٠٠ - ١٦٥ هـ) [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] تاريخ بغداد [illegible]
[illegible] : ذو النون المصري (٠٠٠ - ٢٤٥ هـ)
[illegible] : [illegible] عبد الكريم [illegible]
(٠٠٠ - ٥٥٧ هـ)
[illegible] الربيع بنت معوذ [illegible]
[illegible] الرشيد : هارون الرشيد [illegible]
: زيد بن حارثة [illegible]
[illegible] السرخسي : شمس الأئمة [illegible]
[illegible]
[illegible] سعد بن أبي وقاص [illegible]
[illegible] سعيد بن جبير [illegible]
[illegible] : سفيان : سفيان الثوري [illegible]
[illegible] : سلمة بن الأكوع [illegible]
سلمة بن الأكوع الأسلمي [illegible]

كان من الذين ساهموا في نشر حركة [illegible]
النبي الحديبية وخيبر وحنين و [illegible]
له في الصحيحين [illegible] حديثا

ص ٨٠ س ٢: اسحاق بن يسار ([illegible])

٩/١: السهروردي = شهاب الدين عمر
بن محمد السهروردي (٥٣٩ - ٦٣٢ هـ)

٨/١١: ابو سهل التستري = سهل بن عبد الله
التستري (٢٠٠ - ٢٨٣ هـ) احد أئمة
الصوفية وعلمائهم والمتكلمين في علوم
الاخلاص والرياضات وعيوب
الافعال له كتاب في تفسير القرآن مختصر
وكتاب رقائق المحبين [illegible]
(الاعلام ٣/١٤٣ [illegible])

١/٥: الشافعي = محمد بن ادريس الشافعي
(١٥٠ - ٢٠٤ هـ)

١٢/٧: الشبلي = دلف بن جحدر الشبلي
(٢٤٧ - ٣٣٤ هـ)

١٧/١٦: الشعبي = عامر بن شراحيل بن عبد
بن عبد ذي كبار الشعبي ([illegible])

١/٧: صالح بن احمد بن حنبل الشيباني
[illegible] الشامي بيكي
ابيه وأخذ عنه وولي القضاء باصبهان
وتوفي فيها شذرات الذهب ٢/١٤٩
الاعلام ٣/٢٧٣ مذكور في طبقات الحنابلة ١/١٧٣

١٠/٤: الطبراني = سليمان بن احمد بن ايوب
بن مطير اللخمي الشامي (٢٦٠ - ٣٦٠ هـ)

[illegible] ثلاث [illegible] حفظ
الحديث وكتب في التفسير والادب و
ولد في البصرة [illegible] وتوفي [illegible]
(الاعلام ٣/ [illegible])

ص ٨٦ س [illegible]: [illegible] ([illegible] هـ)

عامر بن الاكوع = عامر بن سنان
[illegible] صحابي
عاش الى يوم خيبر [illegible]
اليهودي فقتله [illegible]
[illegible] (الاعلام ٤/ [illegible])

٤/١٤: عبد الله بن جعفر = عبد الله بن
جعفر بن ابي طالب (١ - ٨٠ هـ)

٢/٢: عبد الله بن عروة = عبد الله بن
عروة بن الزبير بن العوام ([illegible])

٢/١٠: عكرمة = لعله هو عكرمة بن عبد
الله البربري المدني (٢٥ - ١٠٥ هـ)

١٠/٧: علي بن ابي طالب (٢٣ ق هـ - ٤٠ هـ)

٤/٢: عمر بن الخطاب (٤٠ ق هـ - ٢٣ هـ)

: عمر بن عبد العزيز (٦١ - ١٠١ هـ)

١٠/٦: عمر النسفي = ابو حفص عمر بن محمد بن
احمد النسفي (٤٦١ - ٥٣٧ هـ)

٥/١: عون بن عبد الله = لعله عون
بن عبد الله [illegible] خطيب
[illegible] كان من آداب اهل
الكوفة [illegible] اشتهر بالعبادة
والقراءة صحب عمر بن عبد العزيز

خلاصة الاعلام ٥/٢٨٠

... العتبي ... [illegible]

: الفضيل بن عياض (١٠٥-١٨٧هـ)

١٣/٥ قاضي خان (... ٥٩٢هـ)

ص ٤٥ قتادة : قتادة بن دعامة بن قتادة

السدوسي (٦١-١١٨هـ)

[illegible] ... بكر بن

... [illegible]

[illegible]

: ... ربيعة بن ... مالك ...

(... -١٣٦هـ)

٨ ... مالك بن انس الاصبحي

(٩٣-١٧٩هـ)

٢٠ مجاهد : ابو الحجاج مجاهد بن

جبر المكي (٢١-١٠٤هـ)

١٢ معاوية : معاوية بن ابي سفيان

(٢٠ق هـ - ٦٠هـ)

ص ١٣/١٢ : مكحول : ... مكحول بن

... الهذلي

(... هـ) فقيه الشام في عصره

من حفاظ الحديث ... في دمشق

وتوفي بها

١٥ ممشاد الدينوري (... ٢٩٩هـ)

كان من اكابر ... احد ...

... كبير ... الفتوة

... [illegible]

١١ ... [illegible]

١١ ... [illegible]

... [illegible]

مؤلف ... [illegible]

[illegible]

رسالہ ادیب الہ آباد

۱۹۱۰ —— ۱۹۱۳ء

تعارف و انتخاب

از

عابد رضا بیدار

تعارف

ماہنامہ ادیب الٰہ آباد کے انڈین پریس کی نگرانی میں جنوری ۱۹۱۰ء سے اس کی اشاعت شروع ہوئی اور دستیاب شماروں کی رو سے جولائی ۱۹۱۲ء کا شمارہ آخری شمارہ تھا۔ ان تین سال سات ماہ کی مدت میں چھتیس شمارے اس کے تین اڈیٹر ہوئے۔ نوبت رائے نظر لکھنوی پہلے مدیر تھے، جنوری ۱۹۱۰ء تا مئی ۱۹۱۱ء پیارے لال شاکر میرٹھی جون ۱۹۱۱ء سے [illegible] ایک سال سات ماہ تک یہ خدمت انجام دی۔ جون ۱۹۱۲ء میں سید ضمیر آبادی ان کے جانشین ہوئے اور آخری پرچے جولائی ۱۹۱۲ء کی اشاعت تک ایڈیٹر کی حیثیت سے ادیب کو سنبھالا۔

یہ رسالہ ایک معروف پریس انڈین پرنٹنگ پریس الٰہ آباد سے نکالا تھا اور اس لحاظ سے کہا جا سکتا ہے پریس کی باقاعدہ ملکیت میں تھا اس کی بنیادیں بہت سے دوسرے پرچوں سے زیادہ مستحکم تھیں پھر بھی اس کی زندگی مختصر رہی اس کا سبب ناشر مالک اور ایڈیٹر کے مابین اختلاف رائے ہو کر رہا ہوگا، جس کے سبب اس قلیل مدت میں بھی تین ایڈیٹر بدلے! دوسرا سبب اس کا اعلیٰ معیار بھی یقیناً رہا ہوگا جس کو برقرار رکھنے [illegible] ہونے کے دو تیسرا سبب [illegible] ہو [illegible] ہوگا کیونکہ [illegible] کے لحاظ سے [illegible] [illegible] معیاری [illegible] کی اشاعت کا اہتمام [illegible] ہوگا۔ یہ امر کہ مالک اور ایڈیٹر کے مابین کسی [illegible] کی وجہ سے کبھی اس کی حیات مختصر کرنے میں دخل رہا، اس سے بھی ظاہر ہے کہ [illegible] پیارے لال شاکر نے اس کی حیات ہی میں مارچ ۱۹۱۳ء سے 'عصر' کے نام سے ایک ادبی ماہنامہ اور انداز سے نکالنا شروع کر دیا تھا۔

'ادیب' کے پہلے شمارے میں 'ادیب کے تولد' کے عنوان سے اس کا مختصر تعارف اس طرح

کرایا گیا ہے۔

"یہ ماہوار رسالہ ہمارے علم و ادب کی ترقی کا نمونہ ہے۔ [illegible] مضامین کی فہرست ایسی ہے جو ہر طبقے کے لئے دلچسپ ہو ... تعلیم یافتہ مستورات کے لئے بھی ... اس کی ضخامت [illegible] صفحات ہے اور ہر شعبۂ [illegible] [illegible] معمولی تنقید کے [illegible] صنعت کے قریب بھی گنجائش رکھی گئی ہے۔ اس کے علاوہ ہر ماہ کم از کم [illegible] اور [illegible] مشہور مصوروں کی تصاویر کے نمونے، مشاہیر حضرات کے تاریخی [illegible] دلچسپ واقعات کے مرقع ہوتے ہیں [illegible] تصاویر کے متعلق مشہور شاعروں کی [illegible] کی لکھائی چھپائی میں بھی اعلیٰ درجہ کا اہتمام کیا جاتا ہے [illegible] اس رسالے [illegible] پبلسٹی پر کوئی مضمون نہ چھاپا جائے گا

[illegible] 'ادیب' پر مخزن اپریل ۱۹۱۰ء میں شائع شدہ تبصرے کے [illegible] [illegible] کے لکھا ہے

"اپریل سنہ [illegible] کے مخزن میں [illegible] ہمارے دیرینہ عنایت فرما شیخ عبدالقادر صاحب بی اے بار ایٹ لا [illegible] ادیب [illegible] خیر مقدم فرمایا ہے۔ شیخ صاحب نے ادیب پر ریویو کرتے ہوئے مرحوم خدنگ نظر کو بھی یاد فرمایا ہے اور اسے ایک پر لطف گلدستہ کا خطاب دیا ہے۔ در حقیقت وہ ایک گلدستہ [illegible] گلدستوں کی [illegible] کے پہلے ہی نمبر [illegible] ۱۸۹۸ء میں شائع ہوا تھا ایک حمیدہ چند غزلیات اور ایک نثر مضمون بھی شامل تھا۔ [illegible] اس [illegible] شروع ہو گیا تھا [illegible] بیشتر مضمون [illegible] مشہور [illegible] نگار مولوی عبدالحلیم شرر کے قلم سے [illegible] تھے [illegible] غزل [illegible] منشی نادر علی صاحب [illegible] اپریل ۱۹۰۱ء میں لاہور سے مخزن [illegible] ہوا اور [illegible] کی خدنگ نظر [illegible] شیخ صاحب [illegible] دینے تھے ایک عمدہ لکھائی چھپائی [illegible] بیشتر [illegible] تھی [illegible] طرح ادبی دنیا کی ترقی شروع ہوئی اس کے بعد [illegible] کے لیے گر

[illegible] بالکل صحیح ہے لیکن ایک [illegible]
[illegible] ملک کو ایسا فائدہ پہنچاؤ [illegible]
[illegible] خود [illegible] مقتضے [illegible]
[illegible]
[illegible] توجہ [illegible]
[illegible] ایک [illegible] اور مشہور ادیب [illegible]
[illegible] اس وقت [illegible]
[illegible] اس کی [illegible]
[illegible]

[illegible] آتے تھے [illegible]

[illegible] ادیب کے عنوان سے [illegible] نے
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible] ادیب کے [illegible] کے شمارہ میں نقل ہو۔

[illegible] آباد سے [illegible] کی ایڈیٹری میں [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اس علم کا اعلان [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

جنوری ۱۹۱۲ء کے شمارے میں مالک ادیب [illegible] ادب کا نیا دور کے عنوان سے مندرجہ ذیل نوٹ درج ہے:

"اس مہینے سے ادیب کے چوتھے سال اور ساتویں جلد کی ابتدا ہوتی ہے۔ [illegible] اس سے ادیب کے مہتمم ہونے کا رخانے کے لائق [illegible] مولانا [illegible] ظفر صاحب بالقابہ ہوں گے جو انگریزی، سنسکرت، عربی، فارسی، اردو اور بنگلہ زبانوں پر یکساں طور پر حاوی ہیں۔ آپ سابق میں سرکار ہند کی طرف سے مستشرقی مددگار رہ چکے ہیں [illegible] سے تعلق آپ کی [illegible] کافی معلومات [illegible]

سال گذشتہ [illegible] مولانا [illegible] نظیر آبادی کے مضامین [illegible] کی [illegible] کی مختلف صحبتوں میں علم کے [illegible] آپ [illegible] کے مستشرق [illegible] ہیں۔ آپ [illegible] کے [illegible] ہیں۔ [illegible] اچھے [illegible] کے علاوہ آپ ایک اچھے [illegible] بھی ہیں آپ کی شہرت [illegible] ..."

[illegible]

"آزاد [illegible] اور [illegible]"

(۲)

[illegible] جو [illegible] ہیں [illegible]

"[illegible]" [illegible] سے تعلق ہیں۔ پہلا [illegible] کے [illegible] کے دور [illegible] ہے۔ دوسرا [illegible] پر [illegible] ایک [illegible] مستورات [illegible] ایک [illegible] تصویر [illegible] ایک اور رنگین تصویر [illegible] ہے

[illegible] ایک [illegible]

شاعر اور اس زمانے کی ایک اہم سماجی شخصیت [illegible] بشن نرائن در کی شاعری پر چکبست کا تفصیلی مضمون ہے، جو رسالہ چکبست میں بھی چھپا ہے۔

رسالے کا تیسرا رخ سائنس، ادب اور فن کے بارے میں علمی اور اطلاعاتی مضامین کی اشاعت [illegible] سائنسی مضامین کی شکل میں داخل ہوتا ہوا گیا لیکن اس پرچے میں اس کی [illegible] ہلکی سی جھلک ہے [illegible] سائنس [illegible] لاہور میں [illegible] سائنس کی تفصیلات دراصل [illegible] اور سائنس جاننے والے کی حیثیت [illegible] مضمون "عقل حیوانی" [illegible] ساسی قبیل کا ہے کہ اس میں اس [illegible] کو سامنے رکھ کر تفصیلی گفتگو کی گئی ہے۔

جو تفاصیل تنقید (کتب) [illegible] شمارے میں ملک کی "تاریخ تمدن" [illegible] بی اے مرحوم پر [illegible] کے ریویو کی شکل میں ایک نمونہ پیش کیا گیا ہے یہ تنقید مختصر [illegible] پرچہ میں [illegible] کی طرف سے بالعموم مختصر لیکن ریویو کا معیار تمام [illegible] ہے

حصۂ منظومات [illegible] وقت [illegible] اس حصۂ نظم کے لئے رسالے [illegible] اضافہ ہو جائے گا [illegible] پہلے شمارے میں [illegible] سات نظمیں ہیں:

[illegible] آدم [illegible] گوپی ناتھ [illegible] لال [illegible] علی [illegible] لطف [illegible] ایک قصیدہ [illegible] قیس [illegible] سید [illegible] ان کے علاوہ ایک قطعہ [illegible] نظر، ایک [illegible] رشید، اور [illegible] عنوان سے چار [illegible] اور ایک رباعی کے ساتھ ان کی دو غزلیں بھی ہیں غزلیں سب [illegible] ہیں۔

حصۂ تصاویر [illegible] دو تصاویر [illegible] قدیم ہندو تہذیب سے متعلق ہیں۔ [illegible] تصویر [illegible] رسالے کے [illegible] آبادی کی تصاویر ہیں۔ ایک تصویر کا عنوان ہے "آدم و حوا" اور ایک تصویر ہے "[illegible]"

رسالے کے آخری حصے میں "کوشش" کے عنوان سے اور توضیح مقاصد کے ذیلی عنوان سے
اداریہ ہے۔ جس کا عنوان اگلے پرچوں میں "ایڈیٹر کی ڈائری" ہو گیا

(۳)

پریس کے مالک ہندو تھے۔ پہلے ایڈیٹر [illegible] تھے [illegible]
[illegible] لال صیبانی تھے۔ [illegible] قریب [illegible] میں جاری ہوا تھا۔

قدیم ہندی فلسفہ، تہذیب اور ادب کا موضوع اس رسالے کے مضامین میں [illegible] حیثیت رکھتا تھا۔ اس موضوع پر معیاری علمی سطح کے جتنے مضامین بھی اس رسالے میں مل جاتے ہیں اگر کی حال زمانہ کو چھوڑ کر کسی دوسرے میں مشکل ہی سے ملیں گے۔ واقعہ یہ ہے کہ ادیب اور زمانہ جیسے رسالوں سے ہندو تہذیب پر مستند مضامین کے کئی معیاری مجموعے مرتب ہو سکتے ہیں۔ اس موضوع پر لکھنے والوں میں رائے بہادر لالہ [illegible]، منوہر لال زتشی، تیرتھ رام، کشن پرشاد کول، [illegible] [illegible] نرائن [illegible]، رام چندر اور خود ایڈیٹر کے علاوہ عزیز مرزا، سید محمد اسد علی، [illegible] احمد حسین بھی شامل ہیں۔ [illegible] کے نام سے [illegible] نے [illegible] کے ایک مضمون کو [illegible] سے اردو میں منتقل کیا اور اس رسالے کے [illegible] میں چھپا تھا۔
ہندو مذہب اور ہندو فلسفہ کی اتنی بڑی تعداد اُردو کے کسی ادبی رسالے میں (زمانہ) کو چھوڑ کر کم ہی نظر آتی ہے۔

ادیب کی اولیات میں سے [illegible] کا تذکرہ ضروری ہے وہ یہ ہیں کہ اُردو میں اس نے سب سے پہلے [illegible] [illegible] اگست ۱۹۱۱ء میں پہلی دفعہ ایک صفحہ کا [illegible] چار رنگ [illegible] چھپے تھے، جس کا [illegible] کی کثرت، اعلیٰ طباعت، [illegible] اور اعلیٰ معیار کے [illegible] اس کی خصوصیت [illegible] رہے ہیں۔

[illegible] کے موقع پر دہلی کے بارے میں [illegible] ادیب کا نمبر اُردو میں اپنی [illegible] مثال نہیں رکھتا۔ انگریزی کے کسی بھی [illegible] کے ساتھ پیش کیا جا سکتا ہے۔

ترتیب اور ایڈیٹنگ [illegible]

[illegible]

فلسفہ :

بیسویں صدی میں فلسفہ (مرزا سلطان احمد) ۵، ۱ ؛ عقل حیوانی (سید راحت حسین) ۱، ۱ ؛ فلسفہ ورس کی مراد (سیو بہت مل) ۲، ۱ ؛ ڈوڈ بیوم کے سمی کرتا ہے (سید محمد فاروق) ۲، ۲ ؛ حکیم سینیکا (ضیاء الدین برنی) ۵، ۵ ؛ استمرار ... از ڈاکٹر پیبان (عبدالماجد بی اے) ۲، ۳ - عادات، ان کا فلسفہ اور ان کی اہمیت، ۲، ۴ ؛ ... (سید خورشید علی) ۵، ۲ -

صنعت وسائنس :

سائنس (جے - آر - راے) ۲، ۵ ؛ ... نئی دوربین (سید ... دی) ۲، ۲ ؛ ... کی بات مختلف ... (جے آر راے) ۲، ۳، ۴ ؛ ۲، ۶ ؛ علوم کا حربہ (ایضاً) ۲، ۶ ؛ کیمسٹری کے خیالات (ایضاً) ۳، ۵ ؛ عالم ومال ... (جے آر راے) ۲، ۵ ؛ ۲، ۲ ؛ ۳ ، ۲ ، ۴ ؛ علم کی حد (جے آر راے) ۲، ۷ ؛ استمرار ... از ڈاکٹر لیبان (عبدالماجد دریابادی) ۲، ۴ ؛ مسئلہ ظلمات (جے آر راے) ۲، ۳ ، ۴ ؛ ... (سید راحت حسین) ۱، ۴ ؛ حرب ... محمد علی ... (نورالدین مرید) ۵، ۵ ؛ ... (سید راحت حسین) ۲، ۳ ؛ ... (... رست گر) ۱، ۲ ؛ آلات ... ۲، ۵ ؛ تاریخ فوٹوگرافی (... رست گر) ۲، ... (... مہدی) ۲، ۶ ؛ ... ۲، ۲

نمائش :

نمائش کی تیاری (...) ۲، ۲ ؛ نمائش کی تاریخ (جے آر راے) ۲، ۲ ؛ نمائش ... (... رست گر) ۲، ۲ ؛ ۳ ، ۳ ؛ نمائش گاہ لاہور (جے آر راے) ۱ ؛ نمائش پر ایڈیٹوریل ... ۲، ۳ -

معاشیات :-

روپیہ کی قیمت گھٹ رہی ہے (سلطان احمد) ۱، ۲ ؛ ... (سلطان احمد) ۲، ۳ -

سیاسیات :-

حب وطن (جے پال شکسپیر) ۲، ۰ ؛ فلسفۂ سیاست (... جنگ) ۲، ۳ ، ۴ ؛ ۲، ۶ ؛ ۵، ۲ ؛ نیشن (... علی) ۳ ، ۵ -

تہذیب وتمدن :

[illegible]

تعلیمات :

[illegible]

ہندو تہذیب مذہب :

[illegible]

سادگی. تصویر کے ساتھ مختصر سوانح عمری [illegible] ؛ درود سلسلہ معتوب [illegible] مختصر سوانح عمری [illegible] ۱/۵، مسلسل [illegible] [illegible] محمد [illegible] ۵ ؛ [illegible] سوامی [illegible] : انڈیٹوریل (سناکر)، پریم بھیں سوامی [illegible] ۱ ۵ . [illegible] (سوبرلال رتسنی) ۴/۴ ؛ راجہ رام موہن رائے [illegible] ۱ ۵ . ہندو مسلمانوں کی معرکہ [illegible] ۵ [illegible] (فاروقی شاہ پوری) ۲/۷-

ہندوستان : تہذیب و تاریخ :

(قدیم) [illegible] سید حلمی مرادی) ۱/۲۰ قدیم ہندوستان کی تہذیب [illegible] ۵ [illegible] ۴/۱ قدیم ہندوستان کی [illegible] ۱ ۵ : قدیم ہندوستان [illegible] ۵ . [illegible] کے آثار قدیمہ [illegible] (دیا رام) ۵/۶-

(متوسط) [illegible] ۵ [illegible] (لطیف [illegible]) [illegible] ۵ [illegible] کی آمد [illegible] ۵۰ ؛ [illegible] معصوم [illegible] ۵ [illegible] خالی کا دور [illegible] مرقع [illegible] (قطب اللطیف) [illegible] ؛ میرزا [illegible] مرقع ؛ [illegible] ۶ ۵ ؛ [illegible] گولکنڈہ کے عہد کی تہذیب [illegible] ۵۱

ملکہ میری اور ہندوستان کی گزشتہ بیس سال کی شہنشاہ بیگمات (سید خورشید علی) ۵، ۳۔ ریں دہلی (سید احمد دہلوی) ۵ ۲۰ دہلی ۵/۱! ۔ دہلی آخری تاجپوشی، حسرت لکھنوی، ۵ ، لکھنؤ کا قدیم تمدن، حسرت لکھنوی) ۴/۳، مصوران لکھنؤ (ساغر) ۲/۳؛ مصالح لکھنو (ساغر) ۲/۱۱؛ لکھنؤ کے قدیم سلاطین (ساغر) ۲/۲؛ اسلامیات اودھ اور ولی عہدی تحسین خاں) ۳/۴؛ ملکہ زمانیہ (حسرت لکھنوی) ۶ ۶؛ اودھ کا محرم (سید محمد فاروق) ۳ ۳؛ اودھ کا میلہ، دیوگڑھ (سید محمد فاروق) ۵/۱۳۔

تاج برطانیا:

انگلستان سے ہم کیا سیکھ سکتے ہیں (ایک اینگلو انڈین) ۴ : برٹش حکومت کی برکات (عبدالحلیم شرر) ۶؛ برٹش حکومت کی برکتیں (شاکر) ۲/۱۴؛ برٹش نیوی (شمیم) ۱/۵۔

شاہی ۔۔۔۔ تاج انگلستان پر ایک مورخانہ نظر (محمد علی تنہا) ۲/۱۹؛ جارج اوّل سے جارج پنجم تک (سید محمد فاروق) ۵، جشن تاجپوشی (سید محمد فاروق) ۴ ۲؛ جارج پنجم کے ہندوستان آنے کا خیرمقدم (شاکر) ۴/۹؛ جارج پنجم کو مبارکباد، ایڈورڈ (شاکر) ۵، جارج پنجم اور ملکہ کی آمد، ایڈورڈ (شاکر) ۱/۱۵، حضور ملک معظم شہنشاہ ہند، ۵، حضور ولیعہد بہادر پرنس آف ویلز، ایڈورڈ (شاکر) ۱/۵، ۔۔۔ تاجپوشی (سید میرعلی) ۴/۶، شہنشاہ ہندوستان ۱/۵؛ دربار دہلی، حسن لکھنوی) ۴/۹؛ شہنشاہ ہند کا بیعت اہل ہند کے نام ۱ ۹، ۔۔۔ قیصر کی تاجپوشی (۔۔۔) ۳ ۹۔

خواتین:

مستورات ہند کی حالت (شاکر) ۱/۱، فرائض مستورات (۔۔۔) ۵ ۵، عورتوں کی سچی حالت (سید خورشید علی) (انڈین ریویو کے ایک مضمون کا ترجمہ) ۲ ۳؛ ۔۔۔ (قطب الدین خاں) ۴، ۔۔۔ (قطب الدین خاں) ۱/۷۔

اسلامی متعلقات:

اسلامی پردہ (سید محمد فاروق) ۱ ۹؛ عظیم الکلام فی ارتقاء الاسلام ' مصنفہ' چراغ علی (سید خورشید علی) ۶/۵، اہل رسنہ (سید خورشید علی) ۵/۳، مستقبل اسلام (علی حاوی ترجمہ اردو ۔۔۔) ۲ ۵

مشرقِ اوسط :

قیامِ عرب لیگ کا علم و امن پر سبب (شمس اللہ قادری) ۳/۳ ؛ تاریخِ عرب و... (سید فیس اشرف قادری) ۱/۳ ؛ اسکندریس الشریف (حسن نظامی) ۵/۲ ؛ مرود میلہ (شمس اشرف فاروقی) ۲/۴ ؛ ہرمویز کا مستقبل (ایڈیٹر) ۳/۱ ؛ مجموعہ سرحد جنگ (عرب دنیا کے مسائل) مع تصویر مصنف ۲/۴

عربی، فارسی شاعری :

شعرِ عرب (ادریس...) ... سرگزشت ۱/۴ ... ؛ ... کی ... سرگزشت ... فیضی کی ... (محمد ... حیدر...) ... فیضی (محمد شفیع الدین مرادآبادی) ۶/۲ ؛ (احمد حسن شوکت) ۴/۲ ... اسرار تقیس (علی حسن...) ۳/۲۔

اُردو زبان و ادب :

ادبِ اردو کی طوائف الملوکی (... حق تحکوی) ۵/۳ ؛ اردو ہندوستان کی قومی زبان کی حیثیت سے (ترجمہ از انگریزی ... محمد ... رفیق) ۶/۲۵ ؛ اردو شاعر پیدا ہوئی (حسیر ... آبادی) ۴/۴ ؛ اردو زبان کی ترقی (شمیم) ۲/۲ ؛ ... (حالتِ متحدہ کی سالانہ رپورٹ): کتبِ اردو کی کمی پر افسوس کا اظہار (ایڈیٹوریل نظر) ۳/۴ ؛ معاصر آزاد گزٹ نے اردو کی ... کی اس کی مذمت (ایڈیٹوریل نظر) ۳/۲ ؛ ہندوستان کی مشترکہ زبان (ایڈیٹوریل نظر) ۲/۲ ؛ ماڈرن ریویو کی طرف سے بنگالی زبان کے ... دعوے پر تنقید (...) ... ، ... مسلم ایڈیٹروں ... (ایڈیٹوریل نظر) ۳/۱ ؛ ... کے موقع پر اردو ایڈیٹروں کو مدعو کیے جانے پر حیرت ... اس کے پیچھے جو راز ہے اس کی ... : شعراؤں کی اردو خدمت (عزیز رحیب الرحمن) ۲/۳ ؛ ایشیائی شعرا کا کمال (احمد حسن شوکت) ۵/۱ ؛ ایک یادگار مشاعرہ (چکبست) ۴/۱ (۱۳۰ ہجری سال قبل کے مشاعرے کی روداد) ؛ میر حسن - انتخاب دیوان نسخہ (...) (امین احسن رضوی) ۵/۲ ؛ ذکرِ سید علی ... (... علی) ۳/۲ ؛ ... کی وفات ۳ مئی ۱۹... (ایڈیٹر) (نظر) ۳/۵ ؛ تاریخ وفات ... ۲/۳ ؛ مطالعہ صوفیہ اور شاعری (شبنم ... دہلوی) ۶/۵۔

شعرائے اُردو :-

[illegible]

نظیر اکبرآبادی (۱- لکھنوی)-

غالب :

[illegible]

نادرہ توم :-

[illegible]

[illegible]

درگا سہائے :

[illegible]

اقبال :

[illegible] STRAY REFLECTIONS [illegible]

ادبائے اُردو :-

[illegible] خود نوشت مع تصویر [illegible] مولانا [illegible] مسلمات [illegible] مولانا سید [illegible] تفسیر [illegible] ۴۴
[illegible] تصنیف [illegible] سید [illegible] [illegible] کے کالم [illegible] ۲۴
[illegible] محمد حسین [illegible] جگرائی [illegible] وفات [illegible] ۲۲
[illegible] یونیورسٹی [illegible] ۱۰
[illegible] مولانا ظفر علی خان [illegible]
[illegible] مع تصویر [illegible] پنڈت [illegible]
[illegible] آپ بیتی [illegible]
[illegible] جگری کی وفات [illegible] ۳ مئی [illegible]
۵/۳ تاریخ وفات جگری [illegible] محمد حسین آزاد وفات ۲۱ جنوری ۱۹۱۰ [illegible]

[illegible] ہند : [illegible] کے عنوان سے [illegible] مضمون اور چند افسانوں کے [illegible] **ادیب** کے [illegible] کھو کر [illegible] ریم چند [illegible] ۔ رہنمایانِ ہند (سوامی دیانند [illegible]) [illegible] (ریاست بڑودہ کے صنعتی کالج) ۔
[illegible] معلومات کے [illegible] دوسری کتابوں کے [illegible] ایثار [illegible] ہے۔

جلوۂ ایثار [illegible] قیمت [illegible] :

[illegible] ہے [illegible]
[illegible] تعلیم دینے کی کوشش کی گئی ہے۔ [illegible] اس کی جھلک پہلے ہی صفحہ سے نظر آتی ہے [illegible] [illegible] اور اپنے دل کی [illegible] کو اپنے فرض پر [illegible] کو [illegible] کی تعلیم حاصل کرنے کے بعد [illegible] تعلیم حاصل [illegible] نہایت [illegible] اور دلکش پیرایہ میں بیان کی گئی ہے۔ ہاں ناول میں ایک نقص ضرور ہے [illegible]

کو آپ کے اشعار کا فقدان اور دلکشی کے [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اس مصنف کے [illegible]

[illegible] حسن و قبح کو [illegible]

[illegible]

ماہ ملک: [illegible]

[illegible]

دلچسپ حالات درج ہیں [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۹۱۰ء

ذکاء اللہ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مضامین:-

[illegible]

افسانے:

[illegible]

[illegible] ۵۶ [illegible]

[illegible]

[illegible]

غزلیں :-

[illegible] آرزو لکھنوی [illegible] اقبال [illegible] ثاقب [illegible] حسرت موہانی [illegible] سکندر [illegible] صفی لکھنوی [illegible] عسکری [illegible] جگر مرادآبادی [illegible]

نظمیں :-

[illegible]

[illegible] لکھنوی، [illegible] [illegible] مسز [illegible] [illegible] جنتہ [illegible] [illegible] [illegible] طباطبائی [illegible] نظیر آبادی [illegible] صادق حسین [illegible] [illegible] [illegible]

—— [illegible] انیس و دبیر کی رباعیاں :

تذکرہ (عام) تاریخ :

[illegible]

[illegible] مسٹر ولیم اسٹیڈ [illegible] [illegible]

[illegible] انقلاب [illegible] دکن [illegible]

[illegible] جنگ [illegible] عماد ملک [illegible]

[illegible]

[illegible] (ترجمہ [illegible]) [illegible]

حیدری [illegible] حیدرآباد [illegible]

[illegible]

[illegible] محمد [illegible] کے [illegible]

مسٹر [illegible] کی تقریر [illegible] محمود [illegible] [illegible]

[illegible] سید خورشید علی [illegible]

اخبارات و رسائل :

[illegible] اخبارات و رسائل [illegible] [illegible] اطلاع [illegible]

[illegible] ان کے [illegible] ترتیب [illegible] تبصرہ [illegible]

[illegible]

—— [illegible] لاہور : آگرہ [illegible] (آگرہ)، اتحاد [illegible]

[illegible] اخبار عام [illegible]

[illegible]

ادیب [illegible] (۲)، اردوئے معلیٰ : حسرت موہانی [illegible]

[illegible] (الٰہ آباد) [illegible] ۱۹۱۰ء سے عورتوں کو اخلاقی تعلیم [illegible] (۲ [illegible])؛ [illegible] (لکھنؤ)؛ **انڈین ڈیمنس** (اخبار دکن)؛ **اودھ اخبار** (لکھنؤ)؛ **ایڈووکیٹ** [illegible] پٹنہ [illegible] (۵/۸)؛ **پرکاش** [illegible] **پیسہ اخبار** (لاہور)؛ **تمدن** [illegible] [illegible] (میرٹھ)؛ [illegible] (۵/۸)؛ **ٹریبیون** (لاہور)؛ [illegible] **راجپوت گزٹ** (لاہور)؛ **روشنی** [illegible]؛ **زبان** [illegible] (دہلی)؛ [illegible] **زمانہ** (کانپور)؛ **سوشل ریفارمر** [illegible] ایک [illegible] [illegible] لاہور سے شائع ہو [illegible] جس کا مقصد ہندو [illegible] [illegible] کے نام سے ظاہر ہے [illegible] کے ہر سرے [illegible] [illegible] کی جاتی ہے (۲ [illegible])؛ **سول اینڈ ملٹری گزٹ** [illegible]؛ **صلائے عام** (دہلی) [illegible] **عصمت** (لاہور ۲۲)؛ **عصمت** (شیخ محمد اکرم)؛ **العلم** [illegible] [illegible]؛ **علی گڑھ انسٹی ٹیوٹ گزٹ** (علی گڑھ)؛ **فتنہ** (گورکھپور)؛ **فوجی اخبار** (لاہور)؛ **القلم** [illegible] [illegible] لکھنوی [illegible]؛ **کشمیری میگزین** (لاہور)؛ **البدر** [illegible] [illegible] **مخزن** [illegible] **مجموعہ عام** [illegible] **مخزن** [illegible] **محبت** [illegible] [illegible] اپریل ۱۹۱۱ء سے جاری [illegible]؛ **مساوات** [illegible] [illegible] محمد [illegible] **دار السلطنت** [illegible] اردو اخبار [illegible] [illegible]؛ **مسلم ریویو** (الٰہ آباد)؛ **مشرق** (گورکھپور)؛ **مشیر صحت** [illegible] [illegible] **مضمون** [illegible] محمد [illegible] (؟)؛ **مورخ** [illegible] [illegible] **مورخ دلگیر** [illegible] **الناظر** [illegible] [illegible] **نقاد** : [illegible] [illegible]؛ **نیر اعظم** [illegible] [illegible] **ہندوستان ریویو** [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] **میرٹھ** [illegible].

متفرقات:

[illegible]

[illegible] سیستو کی [illegible]

[illegible]

[illegible] خدا کی [illegible] : [illegible] (شاکر) [illegible]

[illegible] کتب [illegible] (القلم) ۲/۲، ۵-۶،

[illegible] مشرق [illegible] کی کتاب [illegible] محمود احمد [illegible]

[illegible] ۱ ، ۲ ،

[illegible] کی تحقیقات کے لئے کوئی بنگلہ [illegible]

[illegible] کبھی بھی [illegible] حال میں [illegible] گورنمنٹ نے

[illegible] حال کو [illegible] میں منقسم [illegible]

[illegible] شرکت کی دعوت دی گئی

[illegible]

[illegible] میں [illegible] گئے

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نتائج [illegible]

[illegible]

[illegible]

کتابیں :-

[illegible]

[illegible] کی فہرست ہے [illegible] نظرات [illegible]

[illegible] حسن [illegible] رشید [illegible] وسعت [illegible]

[illegible] دیوان [illegible] فہرست [illegible]

[illegible] کے حالات [illegible] حسن [illegible] وغیرہ، تنقید

[illegible] ملک [illegible]

[illegible] زیارات [illegible]

[illegible] الاشعار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مجموعہ [illegible] تاریخ [illegible] حصہ اول [illegible]

[illegible] تحقیق [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] حدائق البیان [illegible]

[illegible] کی تصنیف [illegible]

[illegible]

[illegible] سوانح [illegible]

[illegible] کے حالات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کل [illegible] ۔ محمد [illegible] [illegible] ! [illegible]

[illegible] انگریزی [illegible] ؛ ۲ جلد [illegible]

[illegible]

[illegible] کلکتہ [illegible]

[illegible] کی کتاب [illegible]

[illegible]

[illegible] حسن [illegible]

[illegible]

[illegible] ہے :

[illegible]

[illegible] درعالم [illegible]

[illegible]

[illegible] سید [illegible]

[illegible]

[illegible] سید [illegible]

[illegible] دبستان مذاہب [illegible]

تصاویر :—

[illegible] محمد حسین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جلال [illegible]

نوبت رائے نظر لکھنوی

(ولادت ۱۸۶۶ء وفات ۱۹۲۳ء)

[illegible]

[illegible] ایک روز دنیا سے رخصت ہو گئے [illegible]

[illegible]

[illegible] زمانے میں لکھی تھی۔

پیارے لال شاکر میرٹھی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دونوں موجود ہیں۔

[illegible] اور کلام میں بھی ان سے مشورہ کرتے رہتے [illegible]

[illegible]

[illegible] اردو کے دلدادہ تھے۔ آپ نے [illegible]

[illegible] کا ترجمہ ان کی یادگار [illegible]

[illegible]

غلط نامہ

رسالہ ادیب [illegible]

سطر	غلط	صحیح	سطر	غلط	صحیح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

غلطنامه: توب دب

[illegible] and those who are [illegible] and [illegible] come back [illegible] [illegible] come back [illegible] and [illegible]

In [illegible] would like to indicate a number of terms [illegible] [illegible]

[illegible] *mongat* [illegible] *monggramat* [illegible]

[illegible] (independence)

[illegible] that you [illegible] and [illegible] He does not [illegible]

[illegible]

[illegible] mood about [illegible] asleep in such a state (f. 190)

[illegible] khudawand ast. (f. 101)

[illegible] the [illegible]

[illegible] (f. 106)

[illegible] from [illegible]

[illegible]

[illegible] Islam (f. 106)

[illegible] debt which will have to be paid [illegible]

[illegible] *pushtat chun* [illegible] (f. 174)

[illegible]

[illegible]

[illegible] that those who are asleep are

[illegible] furniture, clothes and [illegible] estates or possessions, [illegible] and cattle. All [illegible] as so [illegible].)

[illegible] ... maṯẖluqat- ba Khudā'i bi-khudā i-nist. (f. 83 a)

(Know that [illegible] movements, [illegible] and [illegible] are ordained by God and are not beyond or apart from His directing [illegible] grace.)

[illegible] ... ba'di asbab bar ba'di. (f. 133 a)

(Fate and predestination [illegible] both [illegible] decree. Fate is [illegible] [illegible] predestined, [illegible] one thing to another.)

[illegible] ... har chih kunad (f. 83 a)

(It was [illegible] will be [illegible] [illegible] It [illegible] be noted that these [illegible] especially the [illegible] which [illegible] to be [illegible] Persian version [illegible] [illegible] expression [illegible] and [illegible] refer to [illegible] and were [illegible] accord with those of the [illegible] about the [illegible] of God [illegible] the [illegible] Executor as [illegible] Redr [illegible] upon God [illegible] [illegible] he put the same idea thus

[illegible] mukhtari [illegible] ... hai'

(W[illegible] we [illegible] been charged with [illegible]

whatever He [illegible] we are [illegible] [illegible] pointed sentences and expressions.

[illegible] ... nakunad. (f. 229 a, f. 248 a)

(Fate [illegible] inevitable. The former is [illegible] attempts [illegible] the calamity by prayer and alms [illegible] the latter they are of no avail.)

[illegible] ...

[illegible] and [illegible] [illegible] [illegible]. [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] from putting [illegible]. [illegible] [illegible] is a right of God [illegible] [illegible] intermediary. As the Sufis have [illegible] [illegible] they do not take *[illegible]* compensation for [illegible]. [illegible] *[illegible]* impunity concerning murder.

A question was put to the Master [illegible] [illegible] [illegible] *The Letters* were those of the [illegible] [illegible] the [illegible] [illegible] poets. He replied that [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] Sufis, [illegible] [illegible] poets. But [illegible] the poets composed [illegible] [illegible] [illegible] and [illegible] [illegible] proposed a particular [illegible] [illegible] [illegible] are true expressions of the [illegible] [illegible] are useful [illegible] others [illegible] [illegible] cal rather than real.

[illegible] the unique manuscript [illegible] important [illegible] [illegible] the most significant of which are [illegible] [illegible] notes. It deserves [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] pattern of a great and [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] the [illegible] of the [illegible] [illegible] [illegible].

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] the other but the [illegible] [illegible] of mystical [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] principles and practices [illegible] [illegible] [illegible] earlier practitioners in other lands.

I would like to [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] with a few [illegible] [illegible] the pen of Maulana Muzaffar Balkhi.

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] Maulana [illegible] [illegible] [illegible]

(The world signifies [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] At [illegible] the [illegible]

[illegible]

or [illegible]

[illegible]

dispositions of man on f. 7b

[illegible]

to speed and swiftness

[illegible] Truth [illegible]

[illegible]

sense of annihilation. (f. 8)

Shari at claw [illegible]

[illegible]

[illegible] in the text [illegible] upon the [illegible], effects

[illegible]

the [illegible] prophet [illegible] ... was not possible to be [illegible] at one and the same time.

[illegible] has been [illegible] three categories [illegible] ... or 'tags along' with it.

[illegible] referred [illegible] ... Hasratabad (abode of frustration). [illegible] ... pagans or infidels, [illegible]

An interesting note on p. 239 defines [illegible] as [illegible] ... a reduction in eating, speaking, and sleeping ... [illegible] ... within the bounds of moderation and that [illegible] qualities in man which are cited as the [illegible] ... vehemence of anger or wrath, the force of carnal [illegible] causes contained in the three.

Again, the invoker of blessings said

(One who sees self does not see God !")

[illegible]

chaqa bitu nist"

[illegible]

to God."

[illegible] name [illegible] small [illegible] the Masters [illegible] the divine secrets."

[illegible] Master [illegible] letter which [illegible] phenomenal [illegible] then we [illegible] about [illegible] on the [illegible] with [illegible]

[illegible] of the close [illegible] the [illegible] communicating [illegible]

[illegible] *Take down [illegible]* [illegible] *khārij-i maktūb ast.)* :

> W[illegible] by the mysteries of Eternity,
> A[illegible] will turn to naught
> T[illegible] wisdom [illegible]
> A[illegible] becomes [illegible]."

[illegible] written in red ink [illegible]

[illegible] and keep him [illegible] safe [illegible]

[illegible]

In no fewer than a dozen places the Master is represented as [illegible] The natural inference is that [illegible] of places we get definite [illegible] (f. 131)

[illegible] Master......)

[illegible]

[illegible] the text had been copied and is [illegible] the general run of copyist [illegible]

[illegible] these [illegible] [illegible] *Faraid* and *Fatrid* [illegible] remembrances of God [illegible] complete and [illegible] works of the Sufis

[illegible] it to others [illegible] that of the erudite scholar, [illegible] Sharafu'ddin Maneri always [illegible] scholar [illegible] been quite full

[illegible]

[illegible] (i. e. prior to 1460).

[illegible] by Maulana Muzaffar [illegible]

[illegible] (or *Mangal* dotted), by three [illegible] copy it has a sign like a crooked [illegible] and other seeming peculiarities [illegible] usage in earlier centuries. We also

[illegible] of Chausā, Qāḍī Shamsu'ddin.

[illegible] from the pen of a like-minded equally learned [illegible]

[illegible] antiquity of the manuscript, for the text and [illegible] had been written by the same hand, and the annotations had [illegible]

[illegible] elucidatory notes and

Prof. S. H. Askari

Discovers and presents his findings regarding the Balkhi manuscript of Maktubat-i-Sadi, the Hundred letters, composed by the Makhdum of Bihar Sh. Sharafuddin Ahmad Maneri [illegible]

The Balkhi manuscript, [illegible]

copious marginal notes by his successor, the learned

[illegible]

the [illegible]

A Unique MS.
of
Maktubat-i Sadi

by

Syed Hasan Askari

Dr. Z[illegible] H[illegible] [illegible] May 3, 1969

[illegible] M.A. [illegible] & [illegible] Ph.D. [illegible] [illegible] & [illegible] M.L.[illegible] [illegible] 49 [illegible] [illegible] [illegible] Governor of Bihar [illegible] Vice-President of [illegible] President of India (1967-69)

[illegible] Republic [illegible] National [illegible] [illegible] Educational addresses, etc.

Dr. [illegible] H[illegible] [illegible] Feb. 2[illegible], 1979. Ph.D. [illegible] History [illegible] M[illegible] Indian History & [illegible] Literature.

[illegible]

[illegible]

[illegible] M[illegible] H[illegible] [illegible] [illegible] Husain, Z[illegible] Husain, Z[illegible] H[illegible] Yusuf Husain, [illegible] H[illegible] & M[illegible] Husain.

For others, See Journals, I, 5, 6.

CONTENTS

A Unique Manuscript of *Maktubat-i-Sadi* ... 1
—Prof. S. H. Askari

Persian Poets of the 18th Century : From the unpublished *Khulasatul Kalam* (Persian) ... 1
—Ali Ibrahim Khan

Chronograms of Contemporaries—2 (Persian) ... 13
—Md. Sa'id *Hasrat*

Letters addressed to Mr. Q. A. Wadood (Urdu) ... 23
—Dr. Zakir Husain
&
—Dr. Yusuf Husain

A Manuscript of *Mulla Ali Qari on Music* (Arabic) ... 57
Dr. Abdur Rasheed

The monthly Adeeb of Allahabad (1910-13) : An Introduction (Urdu) ... 89
—Dr. A. R. Bedar

Editorial Committee :
Mr. Q. A. Wadood, Bar-at-law (*Chairman*)
Dr. S. H. Askari
Mr. A. F. Haider
Dr. A. R. Bedar (*Secretary*)

1. The Khuda Bakhsh Library Journal is a quarterly journal specialising in oriental studies in Arabic, Persian and Urdu languages, covering meaningful research based on the material preserved in the Khuda Bakhsh Oriental Public Library, or having any concern with it.

2. Articles will be accepted in English, Arabic, Persian and Urdu.

3. Notes and addenda, by way of corrections and additions to any information published in this Journal or in any publication of the Library e.g. Catalogues, will be a regular feature of the Journal.

PRICE Rs. 25/-

Rs. 15.00 per copy
Annual subscription : Rs. 60.00 (Inland)
Pakistan : 12.00 Dollars
Europe : 8.00 Pounds
U.S.A. & Other Countries : 24.00 Dollars

Printers : Tara Press, Tripolia, Patna-7 & Patna Litho Press, Patna-4
Publisher : Mahboob Husain, for Khuda Bakhsh O.P. Library, Patna

Khuda Bakhsh Library

Journal

FOR FAVOUR OF EXCHANGE

9

1979

Khuda Bakhsh Oriental Public Library.

PATNA-800 004

(INDIA)

Khuda Bakhsh Library

JOURNAL

FOR FAVOUR OF EXCHANGE

Khuda Bakhsh Oriental Public Library
Patna